

## From Rational Conservation to Pragmatic Conservation; The Practical Craft of Tchoghazanbil WHS Conservation\*

### Abstract

Over the past sixty years, the mainstream of heritage conservation has been striving to reach a consensus and establish an optimal framework - the most effective approach for conservation - applicable in any scenario. It is alleged that this ultimate framework can be depicted in the form of conservation doctrines. In this article, we argue that the roots of this perspective on planning and decision-making for heritage can be traced back to the rationality inspired by enlightenment and rational planning, which is termed "Rational conservation planning (RCP)". The RCP simplifies the decision-making process and proposes universally applicable solutions. As a result, this approach has impeded the ability to effectively address the challenges faced. The primary aim of this article is to illuminate the stagnant state of the current theories of heritage conservation in terms of understanding theoretical challenges: Their perspective on heritage conservation is limited and narrow-minded. In order to address this fundamental issue, the authors pose the question: What is the competing paradigm for this rational view of conservation, and can it offer a better approach for urban heritage conservation? This article reviews the literature, critiques the RCP and suggests a paradigm shift from rational conservation to pragmatic conservation through qualitative research method and abductive reasoning strategy. The proposed pragmatic conceptual model alters the planning context into a complex and uncertain environment. In this scenario, the conservator is not faced with a neutral and non-political backdrop but rather a heavily politicized world characterized by power dynamics. Pragmatic conservation underscores the shift from viewing conservation as an external and objective concept to recognizing it as an internal and intersubjective realm. To explain the relationship between the theoretical framework and the practical conditions, a case study research has been employed, utilizing an information-oriented selection strategy. In this article, the authors have selected a significant case at both the national and global levels: the world heritage site of TCHOGHazanbil. A storytelling or narrative-based method, which is well-known in qualitative research, has been used to investigate this site's planning conflicts. Finally, it has been concluded that unlike the technical issues that the RCP has tried to expand over the years and has widely included them in professional and educational

Received: 30 Sep 2023

Received in revised form: 26 Nov 2023

Accepted: 24 Dec 2023

**Sadra Moradi<sup>1</sup>** 

PhD Candidate in Conservation of Historic Buildings and Fabrics, Department of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Sadra.Moradi@ut.ac.ir

**Somayeh Fadaei Nezhad<sup>\*\*2</sup>**  (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: sarafadaei@ut.ac.ir

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.371777.672942>

programs, heritage conservation is involved in highly political problems in which power relations play a serious role. The story of TCHOGHazanbil exemplifies resistance within a dependent, complex, controversial and uncertain context. Resistance in this context is formed and operates based on rules and laws, emotions and initiatives and manifests in the form of negotiations, dialogues, coalitions, strategies and tactics.

### Keywords

Conservation, Planning, Rational, Pragmatism, Practice, Power

**Citation:** Moradi, Sadra; Fadaei Nezhad, Somayeh (2024). From rational conservation to pragmatic conservation; The practical craft of Tchoghazanbil WHS conservation, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 28(4), 21-37. (in Persian)



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press

\*This article is extracted from the first author's doctoral research: "the Pragmatic conservation of heritage; inquire into the practical art (craft) of decision-making for the historic environment", which is processing under the supervision of the second author at the University of Tehran.

## گذار از حفاظت عقلانی به حفاظت پراگماتیک؛ روایتی از هنر عمل در حفاظت از میراث جهانی چغازنبیل\*

### چکیده

جریان غالب حفاظت از میراث در شش دهه‌ی گذشته تمام تلاشش را در راستای هم‌گرایی برای یافتن یک چارچوب نهایی اثرگذار در هر شرایطی، بهترین روش حفاظت، گذاشته و بیان می‌کند این چارچوب نهایی در قالب دکترین‌های حفاظت قابل ارائه است. در این مقاله استدلال می‌شود که ریشه‌های این روش تلقی وضعیت برنامه‌ریزی برای میراث را می‌توان در

عقلانیت ملهم از دکارت‌گرایی و «برنامه‌ریزی عقلانی» جست‌وجو نمود و ترکیب «حفاظت عقلانی» را برای آن به کار گرفت. حفاظت عقلانی ضمن نادیده گرفتن روابط قدرت و سیاست‌زدایی از دانش میراث، شرایط عمل را به شرایطی ساده، قطعی و توافق‌پذیر، تبدیل کرده است و حل نمودن مشکلات با دستورالعمل‌های فنی را شدنی می‌داند. اما پارادایم رقیب برای این نگاه عقلانی به حفاظت چیست و آیا این پارادایم می‌تواند مسیر بهتری را برای حفاظت از میراث ترسیم کند؟ مقاله‌ی حاضر به دنبال یافتن پاسخ این پرسش اساسی، از طریق روش تحقیق کیفی ابتدا به مرور ادبیات موضوع، نقد حفاظت عقلانی و گذار از حفاظت عقلانی به حفاظت پراگماتیک می‌پردازد. سپس با بهره‌گیری از ابزار داستان‌گویی، ضمن روایت مواجهه‌ی یک حرفه‌مند در حفاظت از میراث جهانی چغازنبیل، استدلال می‌شود که درک پراگماتیک می‌تواند به تفسیر بهتر وقایع و گشودن راه‌حل‌های جدید در دانش حفاظت کمک نماید.

### واژه‌های کلیدی

حفاظت، برنامه‌ریزی، عقلانی، پراگماتیسم، عمل، قدرت

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳

صدرا مرادی<sup>۱</sup>: دانشجوی دکتری رشته مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی، گروه مطالعات و حفاظت معماری و شهری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
E-mail: sadramoradi@ut.ac.ir

سمیه فدایی‌نژاد<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول): دانشیار گروه مطالعات و حفاظت معماری و شهری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
E-mail: sarafadaei@ut.ac.ir

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.371777.672942>

استناد: مرادی، صدرا؛ فدایی‌نژاد، سمیه (۱۴۰۲)، گذار از حفاظت عقلانی به حفاظت پراگماتیک؛ روایتی از هنر عمل در حفاظت از میراث جهانی چغازنبیل، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۸(۴)، ۳۷-۲۱.



© نگارنده(گان)

ناشر: مؤسسه دانشگاه تهران

\* مقاله حاضر برگرفته از پژوهش دوره دکتری نگارنده اول با عنوان «حفاظت پراگماتیک از میراث؛ واکاوی هنر عمل در تصمیم‌گیری برای محدوده‌های تاریخی» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه تهران در حال انجام است.

## مقدمه

پیوند میان تفکر عقلانی و حفاظت از میراث پیوند عجیبی است. دوگانه‌ی متضاد سنت و مدرنیته پیش‌فرض‌های مستحکمی را در برابر ساخت این پیوند به‌وجود آورده است. اما در این مقاله این پیش‌فرض‌ها مخدوش شده و استدلال می‌شود که هر دوسوی این دوگانه، هر چند از مسیری متفاوت، به یک اشتراک می‌رسند و آن این است که یک حقیقت مستقل از ما وجود دارد که دانش ما متناظر با این حقیقت است، متناظر با حقیقتی آفاقی. حفاظت عقلانی رویکردهای ارزش‌منا را بدیهی پنداشته و حفاظت از ارزش‌های میراثی معین را توسط پروتکل‌های از پیش تعیین‌شده در قالب دکترین‌ها شدنی می‌داند.

*در این شرایط خیلی ساده و وسوسه‌انگیز است که نگرانی‌های مربوط به نظریه را کنار گذاریم و روش‌شناسی مبتنی بر ارزش‌ها را بدیهی تلقی کنیم. چرا که این اساس آشنا و مشترک بسیاری از اقدامات حفاظتی است. با این استدلال، ارزش‌ها خود را به‌عنوان چارچوبی خنثی در اختیار ما نشان می‌دهند، ابزاری بی‌خطر (مهربان و خوش‌خیم برای ایجاد اجماع). (Walter, 2014, 635)*

با این حال این دیدگاه باریک‌بینانه سبب سرگردانی آشکار حفاظت‌گران شده به‌گونه‌ای که بنیادهای حرفه‌ای به‌ظاهر امن، مقبولیت عمومی خود را از دست داده‌اند و در نتیجه قدرت مقامات میراث‌فرهنگی نیز از بین رفته است (Glendinning, 2013).

در این شرایط، همان‌گونه که باندترین و ون اوئرز (۲۰۱۴)، از مدیران بین‌المللی پرآوازه‌ی حوزه‌ی میراث‌فرهنگی استدلال نموده‌اند، نیاز جدی به بازنگری پارادایمی وجود دارد. گرچه مطالعات انتقادی میراث‌زمینه‌های جدیدی را برای بازتعریف میراث پدید آورده است، لیکن تاکنون بازنگری اساسی در خصوص روش‌های تصمیم‌گیری و مدیریت حفاظت از میراث انجام نگرفته است و در رویکردهای مطرح شده نیز می‌توان ریشه‌های حفاظت عقلانی شکل گرفته در نیم قرن اخیر بر پایه‌ی برنامه‌ریزی عقلانی را یافت. با این حال هدف این مقاله، با تکیه بر فلسفه‌ی پراگماتیسم، تاباندن نور به نقاط مهم رویه‌های عمل تصمیم‌گیری در حفاظت از میراث و نمایش ضرورت گذار به حفاظت پراگماتیک در ادبیات حفاظت است چراکه وضعیت جهان پیش‌روی حفاظت‌گران نه‌ساده، قطعی و توافق‌پذیر بلکه پیچیده، عدم قطعی و مناقشه‌ای است. در این جهان متخصصین باید از زمین سخت و مرتفع که می‌توان با استفاده‌های مؤثر از نظریه و تکنیک‌های پژوهش بر مسائل آن فائق آمد به زمین باتلاقی، که وضعیت‌ها به‌هم ریختگی گیج‌کننده‌ای در آن دارند و تکنیک‌های فنی در مواجهه با آن ناتوان‌اند، قدم گذارند (Schon, 1991).

در این مقاله بر مبنای ضرورت بازنگری در تفکر حفاظت و گسترش افق دید حفاظت‌گران ابتدا با تکیه بر نظرات فیلسوفان پراگماتیست تفکر عقلانی در جهان‌بینی دکارت‌گرایان به نقد کشیده می‌شود. سپس برنامه‌ریزی عقلانی و لزوم گذار از آن به سمت برنامه‌ریزی پراگماتیک به‌عنوان پایه‌ای برای حفاظت پراگماتیک مورد توجه قرار می‌گیرد و در نهایت بر مبنای مرور ادبیات موضوع چارچوب نظری ویژه‌ای به منظور پی‌گیری حفاظت پراگماتیک پیش‌بینی شده است و با توجه به یک داستان از حفاظت از میراث جهانی چغازنبیل استدلال می‌گردد که باتلاق مورد اشاره‌ی دانولد شان (۱۹۹۱) جایی است که تنها حفاظت‌گر دارای

هنر تصمیم‌گیری در عمل یا به تعبیر مایکل بروکز (۲۰۰۲) «حفاظت‌گر به مثابه نابعه‌ی سیاسی» می‌تواند در آن کارگشا باشد.

## روش پژوهش

نظریه‌های حفاظت از میراث، تا کنون پیشرفت محسوسی در درک کامل روش‌هایی که باید سوژه نظریه‌پردازی شود نداشته‌اند (Waterton and Watson, 2015, 546). یکی از دلایل این موضوع را می‌توان عدم ارتباط دانش حفاظت با سایر رشته‌ها و در نتیجه غالب شدن یک نگاه در این دانش دانست، چیزی که لوراجین اسمیت (۲۰۰۶) آن را «گفتمان رسمی میراث» نامیده است. از این‌رو این مقاله با کاربست «رویکردی انتقادی» نسبت به پارادایم گفتمان رسمی میراث یا جریان غالب حفاظت، توجه‌ها را به سایر پارادایم‌های رقیب، به‌ویژه پارادایم پراگماتیسم، جلب می‌نماید. این نوع درک جایگزین نظری، همان‌گونه که ویک (۱۹۸۹) استدلال کرده است به معرفی و کاربست نظریه‌های بهتر منجر می‌شود. بنابراین توسعه‌ی مفهومی نظریه‌های حفاظت می‌تواند به نیاز حرفه‌مندان پاسخ داده و آن‌ها را در پرکتیس خود توانمند سازد. پراگماتیسم به‌عنوان رقیب پارادایم جریان غالب حفاظت، که در ادامه تشریح می‌شود، صراحتاً ضد ساختارگرایی، ضد پوزیتیویسم، ضد مطلق‌گرایی و به شکل رادیکالی زمین‌های است (Maxcy, 2003). این ویژگی‌ها آن‌را به ابزاری قوی به‌منظور نقد و همچنین ساخت مدلی جدید در حفاظت از میراث تبدیل می‌کند. پژوهش حاضر با کاربست روش تحقیق کیفی و راهبرد استدلال ربایشی به‌دنبال هدف اصلی توسعه‌ی مفهومی نظری حفاظت از میراث است. راهبرد استدلال ربایشی نخستین بار توسط فیلسوف پراگماتیست چارلز پیرس سنדרز و در مسیر برجسته‌نمودن نقش انتقادی محقق به‌عنوان یک عنصر اجتناب‌ناپذیر و ضروری ابداع شد. استدلال ربایشی گفت‌وگوی تاملی-انتقادی مداوم بین محقق و نظریه است. این گفت‌وگو امکان ظهور مضامین جدید و پیش‌بینی نشده و همچنین بررسی موارد مورد انتظار را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از پژوهش فراهم می‌کند (Conaty, 2021).

به‌منظور تبیین بهتر بحث‌های نظری ارائه‌شده از مطالعه‌ی موردی بهره گرفته شده است چراکه «مطالعه‌ی موردی می‌تواند بسیار برای فرضیه‌سازی و آزمون فرضیه‌ها مهم باشد» (فلویبر، ۱۳۹۸، ۱۲۷). همچنین به‌منظور گزینش نمونه‌موردی از استراتژی انتخاب اطلاعات-محور استفاده شده است. «انتخاب اطلاعات-محور جهت افزایش بهره‌ی اطلاعات از نمونه‌های کوچک و تک موردهاست. [در این نوع انتخاب] نمونه‌موردی بر اساس انتظار در مورد محتوای اطلاعاتی‌اش برگزیده می‌شود» (همان، ۱۳۲۸). از این‌رو نگارندگان در مقاله‌ی حاضر به انتخاب یک نمونه‌موردی ویژه در سطح ملی و جهانی به عبارتی داستان مواجهه‌ی یک حرفه‌مند حفاظت با شرایط دشوار عمل در میراث جهانی چغازنبیل اقدام نموده‌اند. از تکنیک داستان‌سرایی یا جستار روایت که یکی از تکنیک‌های شناخته‌شده در تحقیقات کیفی است به‌منظور تبیین مطالعه‌ی موردی بهره گرفته شده است. این نوع تحقیق به‌طور کلی از داستان‌های تجربه‌ی زیسته‌ی داستان‌گو شکل می‌گیرد و بنابراین بینش گسترده‌ای برای پژوهش‌گران با دغدغه‌ی عمل‌گرایی را فراهم می‌آورد. فن هالست استدلال می‌کند: «داستان گفتن فقط فهرست کردن رویدادها نیست. داستان‌ها به‌خودی خود این توانایی را دارند که نه‌تنها در مورد

کشف کند و درباره‌ی آن گزارش دهد، زیرا این جوهر «حقیقت» است» (۲۰۰۷، ۶۰). او تثبیت این پارادایم را مرتبط با دوران روشنگری و تثبیت ایده‌های آفاقیت، تمایز میان واقعیت و ارزش، ایده‌های بی‌طرفی ارزشی و در نهایت نادیده گرفتن هنجاری می‌داند که «مدعی مجموعه‌ای از دانش است که به‌طور تجربی به‌عنوان تعمیم‌های علی قابل تکرار و سازماندهی می‌شود و با پایبندی به طرح‌های تحقیقات تجربی، روش‌های نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها، اندازه‌گیری‌های کمی و مدل‌های علی با قدرت پیش‌بینی قابل دستیابی است و فرض را بر این می‌گیرد که واقعیت مستقل به شکلی ناب و جدا از ابزارها و ادراکات مورد استفاده برای درک آن قابل دسترسی است» (Waterton, 2007, 60).

با این حال هر چند رویکردهای انتقادی که در بالا به آن‌ها پرداخته شد زمینه‌ی عبور از حفاظت عقلانی و همچنین توجه به روابط قدرت و سیاست در حفاظت از میراث را فراهم می‌کنند لیکن فلسفه و نظریه‌ی ای را بسط نمی‌دهند که به سؤال «چطور» و چه‌کاری باید انجام داد پاسخ روشنی دهد (Tomaeovski, 2008, cited in Witcomb and Am, 2012). از این رو، در ادامه ابتدا به مرور جدی‌تر جریان غالب دانش حفاظت از میراث، نقدهای وارد بر پیاده‌سازی آن در عمل و سپس به رویکرد جایگزین برای آن پرداخته می‌شود.

### مبانی نظری پژوهش

#### حفاظت به مثابه مدلی عقلانی

ریشه‌ی جریان غالب حفاظت از میراث در عقلانیت دکارت‌گرایی و پس از آن پوزیتیویستی قابل شناسایی است. این را به‌خوبی می‌توان در نوشته‌های پژوهش‌گران مطالعات میراث شناسایی نمود. لوراجین اسمیت، پژوهشگر برجسته‌ی مطالعات انتقادی میراث، استدلال می‌کند که مفهوم فعلی میراث در چارچوب مدرنیته‌ی قرن نوزدهم ریشه دارد و مرادف با زمانی است که عقلانیت روشنگری و ادعاها در مورد امکان حقیقت آفاقی، عقاید دینی قرون وسطایی را درباره‌ی ماهیت دانش واژگون کرد (۲۰۰۶، ۱۷). در این خصوص واترتون و واتسون اعتقاد دارند که «شکی نیست رشنه‌ی میراث با پوزیتیویسم متعارف رسوخ کرده در علوم اجتماعی تسخیر شده است و به دنبال انقیاد جهان آشفته به‌نفع شناسایی و موقعیت‌یابی دسته‌بندی چیزها و قوانین برای حاکمیت آن‌ها است» (۲۰۱۵، ۲۳). جدول (۱) به‌طور ویژه به مرور ریشه‌های این تفکر غالب حفاظت از میراث، از دیدگاه برجسته‌ترین اندیشمندان مطالعات میراث، لوراجین اسمیت، راندی هریسون و اما واترتون می‌پردازد.

دکارت‌گرایان، همان‌گونه که چارلز سندرز پیرز فیلسوف پراگماتیست آمریکایی تشریح کرده است، چند ادعای اصلی را مطرح می‌کنند: فلسفه باید با شک عام آغاز کند (هیچ پیش‌داوری و تعصبی در ساخت قضاوت‌ها وجود ندارد)؛ آزمون نهایی یقین در آگاهی فردی یافت می‌شود (افراد به‌تنهایی می‌توانند قاضی مطلق حقیقت باشند. وقتی متخصصین به توافق دست یابند مسئله‌ی قطعیت بی‌هوده می‌شود زیرا شکی باقی نمی‌ماند)؛ زنجیره‌ی منفرد از استنتاجات برتر که معمولاً بر مقدمات نامرئی متکی اند وجود دارد (یک چیز قطعی و غیرقابل شک وجود دارد که می‌تواند پایه‌ی معرفت‌شناسی باشد)؛ بسیاری از چیزها مطلقاً غیرقابل توضیح‌اند (یک هدف غایی غیر قابل توضیح و تحلیل ناپذیر وجود دارد) (Bernstein, 2010). این دکارت‌گرایان زمینه‌ی رویکردی پوزیتیویستی

آن چه هست، بلکه در مورد آن چه باید باشد نیز صحبت کنند» (۲۰۱۲، ۳۰۰). از این رو تکنیک داستان‌سرایی در مسائل مربوط به برنامه‌ریزی و مطالعات شهری به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است (Mandel-baum, 1991; Forester, 1993a, 1999; Throgmorton, 2003). فارستر اعتقاد دارد که «تحلیل داستان‌های پرکنیس بسیار اهمیت دارد زیرا این داستان‌ها کارهای ویژه‌ای را انجام می‌دهند: کار توصیفی گزارش؛ کار اخلاقی برای ساختن شخصیت و اعتبار (خود و دیگران)؛ کار سیاسی شناسایی دوستان و دشمنان، منافع و نیازها و بازی قدرت در حمایت و مخالفت و البته مهم‌تر از همه، کار مشورتی برای در نظر گرفتن اهداف و وسایل، ارزش‌ها و گزینه‌ها، آن چه بایسته و مهم است و آن چه ممکن و مسئله است، همه‌ی این‌ها با هم» (۱۹۹۳ الف، ۱۹۵). از این رو، او استدلال می‌کند که باید به تاریخ شفاهی تجربه‌ی مواجهه‌ی برنامه‌ریزان با شرایط عمل پرداخت و حساب‌هایی را برای داستان‌های آن‌ها ایجاد کرد (Forester, 1999).

### پیشینه پژوهش

نقد جریان فکری عقلانی در حفاظت اغلب توسط پژوهش‌گران مطالعات انتقادی میراث شکل گرفته است. سه شخصیت اصلی در نظریه‌پردازی مطالعات انتقادی میراث را می‌توان لوراجین اسمیت، راندی هریسون و اما واترتون دانست. در دو دهه‌ی گذشته‌ی آن‌ها مشاجره‌ای پارادایمی را با جریان غالب گفتمان میراث یا گفتمان رسمی میراث پی گرفته‌اند. این بحث‌ها به‌طور جدی با کتاب *استفاده‌ها از میراث* آغاز شد. اسمیت (۲۰۰۶) در این کتاب دو استدلال مهم را بیان می‌کند: اول این که هیچ «چیز» به‌عنوان میراث وجود ندارد، بلکه در عوض میراث مجموعه‌ای از پرکنیس‌های درگیر با فعالیت‌های یادآوری و یادبودی است که از گذشته برای ساخت حس حال کمک می‌گیرد و دوم این که پرکنیس‌ها و پرفورمنس‌ها توسط گفتمان‌های میراث ویژه‌ای شکل گرفته‌اند که برخی نسبت به دیگری قوی‌ترند. او قدرتمندترین پرکنیس و پرفورمنس میراث را گفتمان رسمی میراث نامید: یک گفتمان هژمونیک و تخصصی که بر ارزش‌های ملی‌گرایی‌شده‌ی میراث مادی تأکید می‌کند و نقش افراد دارای دانش تخصصی به‌عنوان خدمتکارانی برای همه‌ی چیزهای خوب گذشته را مزیت می‌بخشد (Smith, 2020). اسمیت در «استفاده‌ها از میراث» برای نخستین بار به نقد تعاریف تولید شده از میراث توسط دکترین‌های بین‌المللی می‌پردازد و استدلال می‌کند که «گفتمان غالب میراث در درجه‌ی اول تأکید خاصی بر روی چیزها دارد» (۲۰۰۶، ۴). راندی هریسون نیز با انتشار مهم‌ترین اثرش «میراث، رویکردهای انتقادی» به گفتمان رسمی میراث تاخت و در عوض یک مدل «دیالوگی» یا «ارتباطی» را پیشنهاد داد که در آن «میراث برآمده از رابطه‌ی میان طیفی از کنش‌گران انسانی، غیر انسانی و محیطشان است» (Harrison, 2013, 13). این یک مدل سیمتریال و مسطحی از روابط اجتماعی و مادی، بدون مزیت‌دادن یکی نسبت به دیگری است که بر لزوم رهاندن میراث از «دوگانه‌های بزرگ» دکارتی پافشاری می‌کند (Harrison, 2013). اما واترتون ضمن شناسایی بنیان‌های پوزیتیویستی جریان غالب میراث، شرح می‌دهد که «پوزیتیویسم با این فرض محوری کار می‌کند که یک «واقعیت اجتماعی» مجزا و متمایز «آن بیرون» وجود دارد، جدا از کسانی که آن را تجربه می‌کنند، و این وظیفه‌ی دانشمند است که این واقعیت مجزا را

جدول ۱. ریشه‌های تفکر جریان غالب دانش حفاظت از نگاه نظریه‌پردازان برجسته‌ی مطالعات میراث. مأخذ: (Smith, 2006; Waterton, 2007, 2010; Harrison, 2013)

شناخت ریشه‌های تفکر جریان غالب حفاظت از میراث از منظر نظریه‌پردازان اصلی میراث انتقادی			
نظریه‌پرداز	گزاره‌ی ارجاعی در باب ریشه‌های جریان غالب دانش حفاظت از میراث	مضامین کلی	جهان‌بینی
لوراجین اسمیت	<ul style="list-style-type: none"> <li>- یک گفت‌وگو غربی غالب در مورد میراث وجود دارد که من آن را «گفت‌وگو رسمی میراث» می‌نامم (Smith, 2006, 4).</li> <li>- گفت‌وگو رسمی میراث در درجه‌ی اول تأکید خاصی بر روی ایزدها دارد (Ibid.).</li> <li>- یک گفت‌وگو رسمی میراث هم‌زمان وجود دارد که متکی بر ادعاهای قدرت‌دانش تخصص‌های فنی و زیبایی‌شناسی از یک‌سو و روایت کلان ملت-طبقه از سوی دیگر است (Ibid., 11).</li> <li>- مفهوم فعلی میراث اروپا در چهارچوب مدرنیته‌ی قرن نوزدهم است. زمانی که عقلانیت روشنگری و ادعاها در مورد امکان حقیقت آفاقی عقاید دینی قرون وسطی را درباره‌ی ماهیت معرفت واژگون کرد (Ibid., 17).</li> <li>- ایده‌ی «طبیعت بکر» و شکاف طبیعت/فرهنگ که توسط فلسفه‌ی روشنگری تسهیل شده است منجر به طرح مفهوم منظر طبیعی شد که در اواخر قرن نوزدهم و با ایجاد پارک ملی یلو استون در جهان نهادینه شد (Ibid., 21).</li> <li>- باستان‌شناسان و معماران حفاظت با چهارچوب‌های معرفتی تکنیکال و تخصصی توسعه‌یافته در قرن نوزدهم به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر فرایندهای حفاظت تسلط یافتند (Ibid., 26).</li> <li>- کاربست دانش تخصصی «عقلانی» در گفت‌وگو رسمی میراث هر پرابلم یا بحث اجتماعی را به نفع مشروعیت دیدگاه معینی به تصویر می‌کشد (Ibid., 51).</li> <li>- ذیل میراث عقلانیت روشنگری «منظر» به‌طور سنتی در آژانس‌های میراث فرهنگی مانند یونسکو ذاتاً «طبیعی» تلقی می‌شود (Ibid.).</li> <li>- گفت‌وگو رسمی میراث به ارزش علمی و زیباشناسانه میراث و فیزیکی بودن آن اعتبار می‌بخشد (Ibid., 87).</li> <li>- منشورها و کنواسیون‌هایی که حفاظت و مدیریت میراث را چارچوب‌بندی می‌کنند، محصول مدرنیته هستند (Ibid.).</li> <li>- منشور ونیز ماهیت بناهای تاریخی را تعیین و تعریف می‌کند و اصول راهنمایی در مورد نحوه‌ی مراقبت و مدیریت آن‌ها ارائه می‌دهد که این اصول مبتنی بر «حس بسیار خوب علمی» است (Ibid., 89).</li> <li>- ایده‌ی مدرنیستی پیشرفت و عقلانیت علمی از میراث و موزه‌ها جدا می‌نمایند (Ibid., 197).</li> <li>- دانش «عقلانی» در میراث قدرت و اقتدار دارد و نقش مهمی را در تعریف آن ایفا می‌کند (Ibid., 280).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>[1] غرب‌گرایی</li> <li>[2] تکنیکال</li> <li>[3] علمی-تخصصی</li> <li>[4] تأکید بر مادیت</li> <li>[5] امکان حقیقت آفاقی</li> <li>[6] توسعه‌ی ملی‌گرایی</li> <li>[7] شکاف دوگانه‌گرایی</li> <li>[8] ارزش علمی و زیباشناسانه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>[1] عقلانی-ابزاری</li> <li>[2] آفاقی‌گرایی</li> <li>[3] ملی‌گرایی</li> </ul>
رادنی هریسون	<ul style="list-style-type: none"> <li>- میراث از رابطه‌ی بین مدرنیته و زمان، ایده‌ی «خطر» یا تهدید و نقش نظم‌دهی و طبقه‌بندی در مدرنیته شکل یافته است (Harrison, 2013, 13).</li> <li>- شباهت گسترده‌ای در تاریخ جنبش‌های حفاظت از میراث در بریتانیا، آمریکا شمالی و اروپای غربی و مستعمرات کنونی و سابق آن‌ها وجود دارد (Ibid., 22).</li> <li>- ایده‌ی کنونی غالب میراث نتیجه‌ی تجربه‌ی مدرنیته و شیوه‌ی خاصی از تفکر در مورد جهان است که منشأ آن مدیون تأکیدات پس از عصر روشنگری بر عقلانیت، استدلال علمی و مفهوم حوزه‌ی عمومی است (Ibid., 23).</li> <li>- بیشتر مفسران خاستگاه فلسفه‌هایی را که زیربنای رویکردهای غربی به مدیریت میراث هستند، در چارچوب تفکر اواخر عصر روشنگری و ظهور دولت-ملت در قرن‌های هجدهم و نوزدهم قرار می‌دهند (Ibid.).</li> <li>- من با اتکا به آرای هارماس از اصطلاح تجربه‌ی مدرنیته در دانش میراث استفاده می‌کنم. در روایت او، پروژه‌ی مدرنیته که در قرن هجدهم توسط فیلسوفان روشنگری صورت‌بندی شد، شامل تلاش‌های آن‌ها برای توسعه‌ی علم آفاقی اخلاق و قانون جهانی و هنر خودمختار، مطابق با منطق درونی‌شان برای سازمان‌دهی عقلانی امور اجتماعی زندگی روزمره می‌شود (Ibid., 24).</li> <li>- محور این علوم تاریخی مجموعه‌ای از دوگانگی‌های روشنگری بود که گذشته و حال، بدن و ذهن و طبیعت و فرهنگ را از هم جدا می‌کرد (Ibid., 26).</li> <li>- میراث در چارچوب نوعی ریسک تعریف می‌شود که این ریسک توسط طیفی از «متخصصان» محاسبه و تعریف می‌شود که آمار و داده‌هایی را تولید می‌کنند که آن را قابل محاسبه و در نتیجه قابل مدیریت می‌کند (Ibid., 28).</li> <li>- تخصصی‌سازی پرکتیس که از طریق سیستمی از بازرسان حرفه‌ای با «متخصصان» و معماران حفاظت به واقعیت پیوست بخش مهمی از حوزه‌ی تازه در حال ظهور میراث بود (Ibid., 45).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>[1] رابطه‌ی مدرنیته و خطر</li> <li>[2] غفلی</li> <li>[3] مادی‌گرایی</li> <li>[4] آفاقی</li> <li>[5] عقلانیت و استدلال علمی</li> <li>[6] ملی‌گرایی مدرن</li> <li>[7] تخصصی‌سازی</li> <li>[8] دوگانه‌گرایی روشن‌گری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>[1] پوزیتیویستی</li> <li>[2] عقلانی‌ابزاری</li> <li>[3] ملی‌گرایی</li> <li>[4] تخصص‌گرایی</li> <li>[5] آفاقی</li> </ul>
اما واترتون	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ریشه‌ی جریان غالب گفت‌وگو میراث از قرن هجدهم و نوزدهم در اروپای غربی قابل ردیابی است که البته از آرای پیشینیان آغاز شده در دوران رنسانس و روشنگری استفاده می‌کند (Waterton, 2007, 28).</li> <li>- ورود پوزیتیویسم با خودباور به مفهوم آفاقیت، جدایی متمایز واقعیت و ارزش، ایده‌ی بی‌طرفی ارزشی و غفلت از هنجار را به همراه داشت. پوزیتیویسم حول دو محور امتزاج جهان و تجربه و تقلیل دانش به سطح تجربه عملیاتی شد و مفاهیم مشاهده، عقلانیت و حقیقت را پیش برد که همه به درجات مختلف درون گفت‌وگو غالب میراث جای داده شدند (Ibid., 28).</li> <li>- تقویت دیدگاه مادی و تاریخی هم با پذیرش گسترده دیدگاه‌های تکاملی و هم با افزایش سریع احساسات ملی‌گرایی تضمین شد (Ibid., 30).</li> <li>- گفت‌وگو رسمی میراث برخاسته از گفت‌وگو عقل‌گرایی و ملی‌گرایی و آمیزه‌ای برانگیخته‌ی رمانتیسم، جستجوی احساساتی برخاسته از روشنگری و علاقه‌ی شدید به خاستگاه‌ها و دستاوردهای انسانی بود (Ibid., 31).</li> <li>- مهم‌تر از همه، فرض پوزیتیویستی گفت‌وگو رسمی میراث این است که واقعیت مستقل به شکلی ناب و جدا از ابزارها و ادراکات مورد استفاده برای درک آن قابل دسترسی است (Ibid., 60).</li> <li>- گفت‌وگو غالب میراث شامل ارجاع به عقلانیت‌های ابزاری است (Waterton, 2010, 32).</li> <li>- شباهت مهمی که در قرون هجدهم و نوزدهم رخ می‌دهد، حفظ بقایای فیزیکی و مادی به‌عنوان «واحدهایی» بود که ارزش - و توانایی - متمم بودن «واقعیت» را دارند (Ibid., 38).</li> <li>- گفت‌وگو رسمی میراث خط داستانی‌ای را متبادر می‌کند که حول مفاهیم مادی و تقدم علم در مدیریت ارزش‌هایی که ذاتی فرض شده‌اند، می‌چرخد (Ibid., 42).</li> <li>- مرکزیت اصالت با اظهارات حقیقت مشخص می‌شود که بار دیگر با مفاهیم تخصصی، دانش علمی و مفهوم جهانی بودن در گفت‌وگو رسمی میراث درآمیخته است (Ibid., 47).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>[1] ملی‌گرایی</li> <li>[2] تقلیل جهان به سطح تجربه</li> <li>[3] مادی</li> <li>[4] واقعیت مستقل</li> <li>[5] ماهیت علمی</li> <li>[6] اصالت حقیقت</li> <li>[7] تخصصی‌سازی</li> <li>[8] غرب‌گرایی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>[1] پوزیتیویستی</li> <li>[2] عقلانی‌ابزاری</li> <li>[3] ملی‌گرایی</li> <li>[4] تخصص‌گرایی</li> <li>[5] آفاقی</li> </ul>



در قالب خصیصه‌های طبیعی/فرهنگی (ملموس/ناملموس) تاریخی توسط پژوهش‌گر میراث (نخبه) دریافت شود؛ (۲) این خصیصه‌ها دارای ارزش‌های ذاتی اند؛ (۳) پژوهش‌گر باید از این حقیقت جدا باشد و البته این حقیقت قابل تعمیم‌دادن به‌عموم است؛ (۴) با روش‌های معین و از پیش تعیین شده می‌توان از این موارد حفاظت کرد. فرض اصلی این عقلانیت در حفاظت آن است که منشور، توصیه‌نامه یا دستورالعمل‌هایی به وجود آمده‌اند که حاصل تفکر «ذهن‌های بااستعداد» و تنها حقیقت عینی معتبرند که می‌توان به کمک آن‌ها میراث را شناسایی و حفاظت نمود (Wells, 2007).

منشور ونیز (۱۹۶۴) یکی از اولین دکترین‌هایی از این نوع است که برای نخستین بار «فرایند مرمت علمی و تخصصی» را پیش کشید و سبب هم‌گرایی دانش حفاظت و «معرفتی علمی» شد که ادعا می‌کند یک پاسخ صحیح واحد به سؤال‌های عملی وجود دارد. این پاسخ از نگاه مبدعین دکترین‌های حفاظت عقلانی است و اگر طور دیگری باشد از چیزی غیر از عقل نشات می‌گیرد. تمرکز بر راه‌حل‌های تکنیکال از یک سو و دغدغه‌مندی سیاسی حول مفهوم میراث ملی از سوی دیگر به یک «زیست-فنی-سیاسی‌ای» بدل شد که به‌عنوان «مجموعه‌ی استراتژیک اجتماعی-فنی و/یا زیست سیاسی متشکل از افراد، نهادها، اپراتورها و روابط بین آن‌ها» (Harrison, 2013, 38) ظهور یافت. بخش دوم یعنی سیاست میراث راه را برای تسلط بخش اول در قالب پارادایمی پوزیتیویستی‌گشود که در قالب بحث‌های تخصصی‌سازی دانش حفاظت و با ایده‌ی «حفاظت علمی» ظهور کرد. اما واترنتن ضمن شناسایی بنیان‌های پوزیتیویستی جریان غالب میراث، شرح می‌دهد که «پوزیتیویسم با این فرض محوری کار می‌کند که یک «واقعیت اجتماعی» مجزا و متمایز «آن بیرون» وجود دارد، جدا از کسانی که آن را تجربه می‌کنند، و این وظیفه دانشمندان است که این واقعیت مجزا را کشف کند و درباره آن گزارش دهد، زیرا این جوهر «حقیقت» است» (۲۰۰۷، ۶۰). او تثبیت این پارادایم را مرتبط با دوران روشنگری و تثبیت ایده‌های آفاقیت، تمایز میان واقعیت و ارزش، ایده‌های بی‌طرفی ارزشی و در نهایت نادیده گرفتن هنجاری می‌داند که مدعی «مجموعه‌ای از دانش است که به‌طور تجربی به‌عنوان تعمیم‌های علی قابل تکرار سازماندهی می‌شوند که با پایداری به طرح‌های تحقیقات تجربی، روش‌های نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها، اندازه‌گیری‌های کمی و مدل‌های علی با قدرت پیش‌بینی را قابل دستیابی می‌کنند» و آن‌ها این است که «واقعیت مستقل به شکلی ناب و جدا از ابزارها و ادراکات مورد استفاده برای درکشان قابل دسترسی است» (Waterton, 2007, 60).

علی‌رغم ادعای چرخش پارادایمی در رویکردهای متأخرتر جریان غالب حفاظت از میراث، به‌ویژه رویکرد منظر شهری تاریخی، می‌توان امتداد تفکر برنامه‌ریزی عقلانی را در آن‌ها مشاهده نمود. باندترین و ون اوئرز (۲۰۱۴)، به‌عنوان مبدعین رویکرد منظر شهری تاریخی، در کتاب «ارتباط مجدد شهر» ابتدا استدلال می‌کنند که از طرفی برنامه‌ریزی به مثابه رشته‌ای عقلانی و جامع یا یک سیستم مدیریت منسجم، پایان یافته و توانایی خود را برای اداره‌ی فرایندها از دست داده است و از سوی دیگر رویکردهای حفاظت شکل یافته در طول ۵۰ سال گذشته نیز با توهمی که می‌توان بخش‌هایی از شهر را محافظت و از تغییر و تکامل بافتار

را به علم به‌وجود آوردند که ادعا می‌کند علم تجربی فقط شکلی از دانش نیست، بلکه تنها منبع شناخت مثبت از جهان است، ذهن انسان باید از عرفان، خرافات و سایر اشکال شبه معرفت پاک شود و دانش علمی و کنترل فنی باید به کل جامعه‌ی بشری گسترش یابد (فریدمن، ۱۴۰۱). «در بنیاد دیدگاه اصلی پوزیتیویسم این بود که واقعیت چیزی است که بتوان آن را با صرف مشاهده یا حتی صرف گزارش یک تجربه‌ی حسی گواهی داد» (پاتنم، ۱۳۸۵، ۶۲).

جریان دکارت‌گرایی و پس از آن پوزیتیویسم، عقلانیتی را در برنامه‌ریزی فضاهای انسان‌ساخت پایه‌گذاری کردند که بعدها نیز به برنامه‌ریزی حفاظت از میراث راه یافت. عقلانیت در این برنامه‌ریزی به‌مثابه نوعی دستورالعمل است که در قالب برنامه‌های جامع سلسله‌مراتبی ظهور پیدا می‌کند. سن‌سیمون پوزیتیویست را به‌عنوان بانی این نوع برنامه‌ریزی معرفی کرده‌اند که «تصویری از پیکره‌ی اجتماعی ارائه داد که پزشکانش می‌توانند دانشمندان و مهندسانی باشند که کارشان را در خدمت به بشریت به کار می‌گیرند. آن‌ها آشنا به قوانین ارگانیک جامعه می‌توانند آگاهانه مسیرش را حسب برنامه‌های جامع دراندازند. توانشان در پیش‌بینی برآیندهای آتی اقدامات کنونی است که جامعه را قادر می‌کند سرنوشت‌اش را کنترل کند» (۱۴۰۱، ۸۸). پاتسی هیلی (۱۴۰۰) استدلال می‌کند که این عقلانیت دو سنت مهم برنامه‌ریزی یعنی سنت تحلیل سیستم و همچنین برنامه‌ریزی کالبدی را به‌وجود آورده است که اولی با مدل‌های کمی سروکار دارد، مدل‌های پیش‌بینی بلند مدت می‌سازد و به‌شدت بر زبان‌های تحلیل سیستمی اتکا دارد و دومی بیشتر تمرکزش بر تصویری ایده‌آل (کارآمد و مطلوب) از شکل شهر است.

حفاظت عقلانی از میراث را می‌توان در هر دو مراحل اولیه یعنی حفاظت از تک بناها و همچنین رویکردهای مؤخر یعنی توجه به حفاظت از میراث شهری شناسایی کرد. جرمی. سی. ولز در مقاله‌ی خود، «تکثر حقیقت در فرهنگ، بافتار و میراث» گذار به عقلانیت در حفاظت از میراث را به‌خوبی تشریح می‌کند: «تا منشور آتن، فلسفه‌ی حفاظت ریزوماتیک بود... [پس از ظهور منشورها و دکترین‌ها آفاقیت‌هایی شکل یافتند] که به اندازه‌ی کافی مورد بررسی قرار نگرفتند (جعبه‌هایی سر بسته که تنها میان رقبای سخن‌ور جلو و عقب پرتاب شدند). آفاقیت‌هایی که بر این دلالت داشتند که امکان یافتن حقیقت-یک حقیقت ایده‌آل وجود دارد که این حقیقت می‌تواند به‌طور گسترده در سراسر حوزه‌ها اعمال شود» (فریدمن، ۲۰۰۷، ۳). هم‌دستی دانش و سیاست میراث حاصلش «گفتمان رسمی میراث» هژمونیک بود که به مجموعه‌ای از پراکتیک‌ها و پرفورمنس‌های میراث (از هر دو نوع ساخت تخصصی و عمومی) اعتبار بخشید و از سوی دیگر سایر ایده‌ها را به حاشیه راند (Smith, 2006). پارادایم این دیدگاه به میراث، چه آن‌گونه که واترنتن و واتسون (۲۰۱۵) آن را پوزیتیویستی‌ردیابی نمودند یا چه ساختارگرایی مورد انتقاد کارتر و دیگران (۲۰۲۰)، نخبه‌گرا، آفاقی، اروپامحور، استعماری و پیدرمان‌بانه است که میراث را به یک «چیز» در گذشته بدل کرده که توسط متخصصین حفاظت، نگهداری و به مردم ارائه می‌شود (Harvey, 2001; Smith, 2006; Robertson, 2012; Harrison, 2013; Byrne, 2014). گفتمان رسمی میراث بر مبنای فرض‌هایی استوار است که می‌توان آن‌ها را به این شکل ترسیم کرد: ۱. حقیقتی وجود دارد که می‌تواند به‌صورت عینی و

حفاظت عقلانی وضعیت برنامه‌ریزی برای میراث را به یک وضعیت ساده، قطعی، بدون ابهام و همچنین توافق‌پذیر بدل می‌کند به طوری که تمام سطوح برنامه‌ریزی برای این میراث را جهانی بیرونی می‌پندارد که در آن حفاظت‌گران متخصص باید به دنبال یافتن راه‌هایی برای شناسایی، حفظ و مدیریت ارزش‌ها باشند. رویکرد ساده‌ی کاربست حفاظت عقلانی اینجا تبدیل به برنامه‌ی جامعی شده است که باندین و ون اوثررز ضمن اعتراف به سادگی آن دلیل این سادگی را بدین شکل توضیح می‌دهند: «ساده است تا بتواند به خواست‌های حاکمیت محلی و شوراهای شهری در بخش‌های مختلف جهان، شامل حتی آن‌هایی که منابع و تجارب نهادی محدودی دارند، پاسخ دهد» (۲۰۱۴، ۳۲۶). گویی هدف و مسیر حفاظت به طور کامل قطعی و تنها عناصر ضروری برای دستیابی به این هدف منابع کافی و تجارب نهادی‌اند. در این مدل عقلانی حفاظت، همان‌گونه که اینس و بوهر (۲۰۱۸) در مورد سایر مدل‌های عقلانی برنامه‌ریزی فضایی استدلال کرده‌اند، جهان به مولفه‌های به لحاظ تحلیلی قابل مدیریت تقسیم می‌شود که می‌توان آن‌ها را به طور جداگانه و توسط روابط علی خطی مدیریت کرد و به طور مستقلاً تحت کنترل، ثابت و معین نمود. این مدل همواره سعی بر آن داشته است حفاظت از میراث را موضوعی فرهنگی معرفی کند و به متخصصین یادآوری نماید که موضوعی برای بحث‌های سیاسی نیست و به این شیوه از حفاظت از میراث سیاست‌زدایی نماید و آن را به یک موضوع قابل توافق تبدیل کند (Gentry and Smith, 2019).

### گذار به حفاظت پراگماتیک از میراث

چارلز سندرز پیرس، به‌عنوان بنیان‌گذار فلسفه‌ی پراگماتیسم، استدلال‌های اصلی دکارت‌گرایان که در بخش پیش شرح داده شدند را با نقد جدی مواجه کرد؛ ما نمی‌توانیم با شک کامل آغاز کنیم بلکه با همه‌ی تعصباتی که موقع ورود به مطالعه‌ی فلسفی داریم آغاز می‌کنیم؛ افراد را تنها قضات حقیقت دانستن بسیار زیان‌بار است چرا که ما به طور قابل استدلالی نمی‌توانیم به فلسفه‌ی نهایی که به دنبال آن هستیم دست یابیم بلکه ما تنها آن را برای جامعه‌ای از فیلسوفان جست‌وجو می‌کنیم؛

جدا کرد، توانشان را برای مواجه با چالش‌های جدید حفاظت میراث از دست‌داده‌اند. با تکیه بر این دلایل، آن‌ها در نهایت بازنگری اجباری پارادایم را ضروری و نتیجه می‌گیرند که رویکرد منظر شهری تاریخی راه‌های مهمی برای بازنگری پارادایم حفاظت را باز می‌کند. رویکرد تبیین‌شده در توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی و پیوست‌های بعدی آن در نهایت به یک رویکرد برنامه‌ریزی عقلانی سلسله‌مراتبی تبدیل می‌شود که ادعا می‌شود می‌توان آن را در شش مرحله، مطابق جدول (۲) پیاده سازی نمود.

این رویکرد به مانند دیگر مدل‌های عقلانی، مطابق با استدلال اینس و بوهر (۲۰۱۸)، یک چنین مسیری را برای برنامه‌ریزی پیش‌فرض می‌گیرد: مراجع رسمی انتخاب‌شده اهداف را تعیین می‌کنند، با کمک متخصصین آن‌ها مسائل را تشخیص می‌دهند، متخصص گزیننده‌ها را ارائه می‌دهند، آن‌ها را ارزیابی می‌کنند و درباره‌ی بهره‌وری گزیننده‌ها به نتایجی می‌رسند، تصمیم‌گیران بر اساس این اطلاعات درباره‌ی سیاست‌ها و اعمال آن‌ها تصمیم می‌گیرند و در نهایت بوروکرات‌ها این تصمیمات را پیاده می‌کنند. در متن توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی بارها این ادعای قطعیت ذکر شده است که «این توصیه‌نامه یک رویکرد جامع و یکپارچه برای حفاظت» را «در اختیار نهادهای حاکمیتی و سیاست‌گذاری در سطوح بین‌المللی و ملی قرار می‌دهد» (UNESCO, 2011). توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی دستیابی به این قطعیت را با یک فرایند خطی شش مرحله‌ای دارای نظم متوالی برای هدایت کلی فرایند مدیریت امکان‌پذیر دانسته است. همچنین توصیه‌نامه خوش‌بین است که «ابزارهای مشارکت مدنی باید به منظور نگهداشت میراث فرهنگی به توافق دست یابند» و «تمام سطوح دولتی شامل دول محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی باید به طور هماهنگ به پیشبرد سیاست‌های حفاظت میراث کمک رسانند. این سیاست‌ها باید هماهنگ با هر دو دیدگاه نهادی و بخشی باشند» (Ibid.). با نگاهی به سایر پروتکل‌های حفاظت از میراث، به‌ویژه پروتکل‌های حفاظت از مناظر فرهنگی، نیز تکرار ادعاهای بیان شده را می‌توان شناسایی کرد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۲).

جدول ۲. چارچوب خطی پیاده‌سازی رویکرد منظر شهری تاریخی. مأخذ: (UNESCO, 2011)

مراحل برنامه عملیاتی HUL	شرح	مراحل فرآیند
گام «الف» در HUL	پیمایش‌های جامع و نقشه‌برداری از منابع انسانی، فرهنگی و طبیعی شهر (محدوده‌های جمع‌آوری آب، فضاهای سبز، کریدورهای دید، جوامع محلی به همراه سنت‌های فرهنگی زنده‌ی آن‌ها)؛ دستیابی به توافق با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی مشارکتی و مشاوره با ذی‌نفعان در ارتباط با نگهداری ارزش‌ها به‌منظور انتقال به نسل‌های آینده و تعیین خصیصه‌هایی که آن ارزش‌ها را حمل می‌کنند؛	مستندنگاری + ارزیابی منظر
گام «ب» در HUL	ارزیابی و سنجش آسیب‌پذیری این خصیصه‌ها بر اساس فشارهای اجتماعی- اقتصادی در کنار تأثیرات تغییرات اقلیمی؛	تعریف خصیصه‌ها + ارزش‌ها
گام «ج» در HUL	با به همراه داشتن این اطلاعات و تنها پس‌از آن، ارائه راهبرد توسعه شهر (CDS) و یا راهبرد حفاظت شهری (CCS) به‌منظور یکپارچگی ارزش‌های میراث شهری و شرایط آسیب‌پذیری آن‌ها در چهارچوب وسیع‌تر توسعه شهری ایجاد شود، نتیجه همه آن‌ها نشان‌دهنده (الف) محدوده‌های غیرقابل ورود قطعی، (ب) محدوده‌های حساس که نیازمند توجه محتاطانه در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا هستند و (ج) فرصت‌های توسعه (که در میان ساخت‌وسازهای بلندمرتبه قرار دارد)؛	توصیف نقاط آسیب‌پذیری
گام «د» در HUL	اولویت‌بندی اقدامات برای حفاظت و توسعه؛	توصیف راهبرد/ اقدامات
گام «ه» در HUL	راه‌اندازی چهارچوب‌های مشارکتی و مدیریت محلی مناسب برای هرکدام از پروژه‌های شناسایی‌شده برای حفاظت و توسعه مطابق با CDS/CCS در کنار گسترش راهکارهایی برای هماهنگی فعالیت‌های مختلف میان کنشگران مختلف، عمومی و خصوصی؛	اولویت‌بندی
گام «و» در HUL		ایجاد همکاری‌ها

از اندیشیدن» را ارائه دادند (شفلر، ۱۳۹۷، ۲۷).

از میان پراگماتیست‌های معاصر ریچارد رورتی جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌راستی، همان‌گونه که برنشتاین استدلال کرده است، هیچ فیلسوف دیگری در نیم قرن گذشته به اندازه‌ی او گفت‌وگوهای پرجذبه و بحث‌های داغ بین‌المللی در مورد موضوعات پراگماتیک را برانگیخته نکرده است (۲۰۱۰، ۲۱۵). رورتی به‌مانند اغلب دیگر پراگماتیست‌ها به این دیدگاه باور داشت که حقیقت ساخت زبانی دارد و در این زمینه توضیح می‌دهد که «چون حقیقت صفتی برای جملات است، چون وجود جملات وابسته به واژگان است و چون واژگان توسط انسان‌ها ساخته شده‌اند پس حقایق ساخته شده‌اند» (رورتی، ۱۳۹۲، ۹). او در تشریح تفاوت نگاه خود به‌عنوان یک پراگماتیست یا به زبان خودش یک «بازی‌باور» با عقل‌گرایی ملهم از روشنگری یا «متافیزیک‌باور» بیان می‌کند (جدول ۳) که دومی به عرف عام اعتقاد دارد، موضوعات را تنها برحسب واژگان نهایی‌ای که خود و اطرافیانش به آن خو گرفته‌اند به‌سنجش می‌برد و همواره به دنبال یافتن حقیقت در جهان بیرون از خود است؛ درحالی‌که در مقابل اولی یعنی بازی‌باور در مورد واژگان نهایی‌ای که خود به کار می‌برد تردیدهایی اساسی و همیشگی دارد، استدلال بیان شده در قالب واژگان کنونی‌اش نه می‌تواند آن تردیدها را تأیید کند و نه آن‌ها را برطرف سازد و در نهایت بر این باور نیست که واژگانی که برگزیده بیش از سایر واژگان‌ها به واقعیت نزدیک است (رورتی، ۱۳۸۵).

ایده‌ی پراگماتیست‌ها در انتقاد به علم به‌مثابه بازنمایی آفاقی واقعیت خارجی بود که در پایان دهه‌ی ۷۰ میلادی به سیلابی بدل شد که برنامه‌ریزی به‌مثابه‌روشی عقلانی برای تولید استراتژی‌های توسعه و توجیه سیاست عمومی نیز یکی از قربانیان این سیل بود و در نهایت به

به‌جای زنجیره‌ی منفرد، استدلال علمی بیشتر شبیه طنابی است که رشته‌های متنوع آن اگرچه بسیار نازک‌اند لیکن به قدرکافی بی‌شمار و در هم تنیده‌اند و همدیگر را تقویت می‌کنند؛ بدیهیات هرگز نقاط عزیمت استواری به‌شمار نمی‌آیند (Bernstein, 2010). پیرس پس از این ادعاها علیه دکارت‌گرایان، نخستین اصل فلسفه‌ی پراگماتیسم را در مقاله‌ای با عنوان «چگونه افکارمان را روشن کنیم» ارائه می‌دهد: «برای بست‌دادن یک مفهوم ذهنی فقط لازم است معین کنیم این مفهوم برای ایجاد چگونه رفتاری به‌کار می‌آید و آن رفتار برای ما یگانه معنای آن است» (شفلر، ۱۳۹۷، ۱۱۸). ویلیام جیمز دیگر فیلسوف کلاسیک پراگماتیست این چرخش فلسفی پیرس به سمت عمل را این‌گونه توضیح می‌دهد که:

در روش پراگماتیک مطلقاً هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد و تنها به این اشاره می‌کند که معنایی غیر از معنای عملی وجود ندارد... یک پراگماتیست به راه‌حل‌های لفظی، به دلایل سقیم پیشینی، به اصول ثابت، به نظام‌های بسته و به اصطلاح مطلق‌ها و سرمشاهای پشت می‌کند و در عوض به امور انضمامی و کافی، به امور واقع و به عمل روی می‌آورد. (جیمز، ۱۳۹۶، ۴۳)

دیویی سومین پراگماتیست کلاسیک نیز در رد تصمیم‌گیری بر اساس تعهدات انتزاعی استدلال می‌کند که «تصمیم‌گیری بر اساس تجربه انجام می‌شود نه تعهدات انتزاعی یا اصولی از پیش تعیین شده... حل یک مسئله همواره موقت و خطاپذیر است... حفظ حالت شک و ادامه‌ی تحقیق منظم و طولانی اصول اساسی تفکر هستند» (Healey, 2008, 3). می‌توان آرای پراگماتیست‌های کلاسیک را بدین شکل جمع‌بندی کرد که آن‌ها «دیدگاهی کارکردگرایانه درباره‌ی اندیشه، دیدگاهی ابطال‌گرایانه درباره‌ی شناخت، برداشتی تجربی و اجتماعی از علم و خصلمتی نمایشی

جدول ۳. تفاوت باور پراگماتیک و باور عقلانی. مأخذ: (رورتی، ۱۳۸۵)

متافیزیک‌باور (باور عقلانی)	بازی‌باور (باور پراگماتیک)
<ul style="list-style-type: none"> <li>صرف وجود تعبیری در واژگان نهایی او تضمین می‌کند که آن تعبیر به‌چیزی که ماهیت واقعی دارد اشاره دارد.</li> <li>عرصه‌های دربرگیرنده‌ی یک واژگان نهایی را به‌پرسش نمی‌گیرد.</li> <li>آن‌چه برای او اهمیت دارد این نیست که کدام زبان به‌کار برده شده بلکه این است که کدام زبان درست و حقیقی است.</li> <li>در نظر او آن بیرون در دنیا ماهیت‌های واقعی وجود دارند ماهیت‌هایی که کشف آن‌ها برعهده‌ی انسان است.</li> <li>باور دارد که ممکن است ما به‌همه‌ی پاسخ‌ها نرسیده باشیم اما پیشاپیش معیارهایی برای تشخیص پاسخ درست در اختیار داریم.</li> <li>نظریات را در حال هم‌گرایی می‌بیند به‌عنوان مجموعه کشفیاتی درباره‌ی سرشت چیزهایی چون حقیقت.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>نام انگار و تاریخ باور است.</li> <li>از دید او هیچ چیز سرشت ذاتی و ماهیت واقعی ندارد.</li> <li>هدف اندیشیدن استدلالی را رسیدن به شناخت به هر معنایی که بتوان مفروضاتی چون واقعیت، ماهیت واقعی، منظر عینی و همخوانی زبان واقعیت توضیح داد نمی‌انگارد.</li> <li>اندیشه را تحت امر معیارها نمی‌داند و معیارها از دید او هرگز چیزی بیشتر از عرصه‌هایی نیستند که با توجه به زمینه‌ی خود تعابیر مطرح در واژگان نهایی اکنون مورد استفاده را تعریف کنند.</li> <li>از نظر او همه‌ی جست‌وجوهای در پی یک واژگان نهایی محکوم به هم‌گرایی نیستند.</li> </ul>

جدول ۴. پرسش‌های فریدمن از برنامه‌ریزی عقلانی. مأخذ: (فریدمن، ۱۴۰۱)

پرسش‌هایی از برنامه‌ریزی عقلانی
<ul style="list-style-type: none"> <li>برای ادعایی که شناخت گذشته به شناخت آینده مرتبط است چه فرضی باید ساخت؟ آیا این فرض شناخت قابل اتکایی از آینده به دست می‌دهند یا اینکه عدم قطعیت درون‌بود گزاره‌ها راجع به آینده چیزی فراتر از حس‌های ذهنی‌اند؟</li> <li>آیا شناخت وقتی فرضی که ادعا می‌شوند درستند متزلزل شوند ویژگی عینی‌اش را از دست نمی‌دهد و به این ترتیب محاسبه دقیق امکان‌پذیر است؟</li> <li>با چه معیارهایی می‌توان در خصوص نظریه‌های رقیب دست به انتخاب زد؟ آیا گزینه‌ی ایمن همواره بهترین است یا انتخاب یک نظریه به‌جای نظریه‌ی دیگر عملی سیاسی است؟ آیا این درست است که شناخت علمی-فنی همواره از شناخت مبتنی بر دیگر روش‌های پژوهش بهتر است؟</li> <li>شناخت علمی و فنی با اعتبار مفروض جهان شمولش بر چه مبنایی می‌تواند مدعی اولویت بر دانش شخصی شود؟</li> <li>برنامه‌ریزان بر چه مبنایی استدلال می‌کنند که دیدگاهشان از جهان باید غلبه پیدا کند؟</li> <li>اگر کل دانش با ایدئولوژی اشباع می‌شود برنامه‌ریزان چگونه می‌توانند مدعی دسترسی ممتاز به شناخت عینی شوند؟</li> </ul>



زمینه‌های مسکن، عدالت کیفری، خدمات اجتماعی رفاه و حمل‌ونقل، مشکلاتی بدتر از قبل پدید آوردند که اعتماد عمومی و حتی اعتماد خود متخصصان را به این که مجموعه‌ای از نظریه‌های کافی برای رفع مشکلاتی که جامعه را فرا گرفته وجود دارد، از بین برده است» (۱۹۹۱، ۱۵). جایگاه و اهمیت هنر عمل حرفه‌مندان را نشان داد. او در پاسخ به این سؤال مهم که آیا واقعا دانش تخصصی برای تحقق اهداف مورد نظر حرفه‌ها کافی است بیان می‌دارد که «دانش تخصصی با تغییر ماهیت موقعیت‌های پرکتیس - پیچیدگی، عدم قطعیت، بی‌ثباتی، منحصر به فردی و تضادهای ارزشی - که نیروهای محوری در دنیای پرکتیس تلقی می‌شوند، جفت‌وجور نمی‌شود. حتی اگر دانش تخصصی به خواسته‌های جدید تخصصی دست یابد، وضعیت‌های پرکتیس مسئله‌هایی نیستند که باید حل شوند بلکه وضعیت‌های مسئله‌مندی هستند که توسط عدم قطعیت، بی‌نظمی و عدم تعین مشخص می‌شوند (Schon, 1991, 20-21). او این وضعیت‌های پرکتیس را موقعیت‌های منحصر به فردی می‌داند که در مواجهه‌ی با آن‌ها به جای متخصص عالم باید حرفه‌مند هنرمند بود و در پاسخ به این سؤال که چرا متخصصان، هنر عمل در پرکتیس را تا این حد مضطرب‌کننده می‌بینند و درباره‌اش کمتر صحبت می‌کنند استدلال می‌کند که «مطمئناً آن‌ها از روش‌های هنرمندانه‌ای که برخی حرفه‌مندان با شایستگی با عدم قطعیت‌ها و مناقشات ارزشی مواجه می‌شوند آگاهی دارند اما به این دلیل مضطرب می‌شوند که روش راضی‌کننده‌ای برای توصیف شایستگی هنرمندانه‌ای که حرفه‌مندان برخی زمان‌ها در کارشان به نمایش می‌گذارند، ندارند. آن‌ها از ناتوانی درک این فرایندها از نگاه مدل دانش تخصصی که تا حد زیادی دیدی می‌پندارندش، مضطرب می‌شوند» (Ibid., 24).

با این که شان اهمیت هنر عمل را به خوبی تشخیص داد لیکن به ویژگی‌های این هنر، نحوه‌ی کارکرد آن در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین روابط قدرت و سیاست در مسائل برنامه‌ریزی نپرداخت و «گزارش او به‌طور عجیبی غیرسیاسی است» (Forester, 2023, 148). جان فارستر یکی از مهم‌ترین برنامه‌ریزان پراگماتیست بود که بر چگونگی کار برنامه‌ریزان به‌عنوان عوامل فعال در انجام امورشان متمرکز شد و از این طریق پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری در پرکتیس (با نقش آفرینی شبکه‌های قدرت-سیاست) را مورد کنکاش قرار داد. خیلی دشوار بتوان موضوع نظری صرف از نوشته‌های فارستر استخراج نمود زیرا نظریه‌پردازی او همیشه مبتنی بر تجربیات دنیای واقعی است به این صورت که او ضمن طفره‌رفتن از تعمیم‌های نظری و استفاده از گزاره‌های کلی اعتقاد دارد که نمونه‌موردی را باید طور مفصل ارائه کرد و سپس از خود پرسید که از آن چه می‌آموزیم (Wagenaar, 2011). با این حال نظری‌ترین کتاب فارستر (۱۹۹۳ ب) *نظریه‌ی انتقادی، سیاست عمومی و پرکتیس برنامه‌ریزی* است که در این کتاب به برنامه‌ریزی عقلانی و به‌طور ویژه دو مدل اصلی آن یعنی مدل «وسیله-هدف» و «حل مسئله» انتقادهای جدی وارد می‌کند. پیشنهاد فارستر در مقابل این مدل‌های برنامه‌ریزی عقلانی، دیدگاه «پراگماتیسم انتقادی» است. این دیدگاه با تلقی برنامه‌ریزی به‌مثابه امری ذاتاً سیاسی و ارتباطی ویژگی‌های ذیل را برای آن برمی‌شمارد:

۱. مبتنی است بر تحلیل تجربی از آن‌چه برنامه‌ریزان عمداً و ناخواسته انجام می‌دهند؛
۲. نسبت به موقعیت‌های عملی که برنامه‌ریزان با آن

نسل جدیدی از نظریه‌پردازان برنامه‌ریز پراگماتیست انگیزه بخشید (Healey, 2008, 11). از اولین این افراد فریدمن بود که به تبیین حوزه‌های برنامه‌ریزی و لزوم عبور از طیف برنامه‌ریزی عقلانی پرداخت، طیفی که از نظر او رادیکال‌ترینشان مدعیان دغدغه‌های تخصصی‌ای بودند که از ایستاری فربه از بی‌طرفی سیاسی دفاع و از این طریق روابط موجود قدرت در جامعه را بازتولید می‌کردند (فریدمن، ۱۴۰۱). فریدمن تلاش کرد تا نشان دهد این نوع نگاه به برنامه‌ریزی شکست خورده است (جدول ۴) و در راستای تعریف برنامه‌ریزی به‌مثابه ارتباط شناخت و عمل، ایده‌ی برنامه‌ریزی تعاملی را، با استدلال این که تخصص تحلیلی باید با دانش محلی ترکیب شود، پیشنهاد داد (Wilson, 2020, 50).

فریدمن بزرگ‌ترین مسئله‌ی برنامه‌ریزی را «ابهام و تزلزل درباره‌ی قدرت» دانست و استدلال کرد که «یکی از کارهایی که دیگر امروزه به‌گونه‌ای متفاوت با آن برخورد می‌کنند معرفی و پرداختن به مسئله‌ی اجتناب‌ناپذیر قدرت در اندیشه‌ی برنامه‌ریزی است» (فلوپبر، ۱۳۹۸، ۴۹-۵۰). در واقع بسیاری از سؤالاتی که فریدمن پرسید از این‌رو بود که برنامه‌ریز فضایی با وضعیت ساده و مسائل قابل حلی که برنامه‌ریزی عقلانی ساخته است مواجه نیست بلکه با وضعیت‌های پیچیده و «مسائل بغرنجی» مواجه است که برنامه‌های جامع سلسله‌مراتبی یا مدل‌های خطی مدیریتی در قبال آن‌ها ناکارآمدند. ریتل و وبر (۱۹۷۳) نخستین‌بار به چنین مسائل بغرنجی اشاره کردند و آن‌ها را فاقد فرمول‌بندی، راه‌حل، معیار یا امتحان‌پذیری برشمردند. دوناگی و هاپکینز، همان‌گونه که ویلسون تشریح می‌کند، دلیل پدیدآمدن این وضعیت در برنامه‌ریزی را این‌گونه تبیین می‌کنند: «برنامه‌ریز با وضعیت پیچیده‌ای مواجه است که وابستگی متقابل (مانند نتایج اجتماعی بازار مسکن)، تقسیم‌ناپذیری (مانند این که یک پروژه‌ی زیرساخت نمی‌تواند نیمه‌کاره رها شود)، برگشت‌ناپذیری (سرمایه‌ی رفته برگشت‌پذیر نیست) و عدم قطعیت (سناریوهای چندگانه وجود دارند نه یک سناریو)، ویژگی‌های اصلی آن هستند و بنابراین باید به تلاش‌ها برای ارائه‌ی برنامه‌های فضایی جامع به منظور چیرگی و قابل پیش‌بینی نمودن تغییرات پیچیده شک داشت (۲۰۲۰، ۴۹). در این جهان پیچیده و عدم قطعیتی نه تنها وضعیت جهان بیرونی به‌مثابه سیستمی غیرقابل پیش‌بینی، مرتبط با دیگر عوامل، اهمیت پیدا می‌کند بلکه همچنین بیش از آن متخصص (برنامه‌ریز یا حفاظت‌گر) به‌مثابه فرد به مرکز توجهات بدل می‌شود. اگر پوزیتویسم توقع ساخت یک جهان بیرونی از طریق متخصصی با ویژگی‌هایی شامل خنثی بودن مشاهده و فرادادگی تجربه، دارای زبانی خالی از ابهام و با استقلال داده‌ها از تفسیر نظری، باورمند به جهانشمولی شناخت و شرایط نظریه داشتند، دیدگاه‌های پساپوزیتویستی ویژگی‌های تعیین‌ناپذیری، قیاس‌ناپذیری، تفاوت، تنوع، بسگانگی، پیچیدگی و هدفمندی را به میان کشیدند و میخ‌آخر را به تابوت تمایزات دکارتی به ویژه تمایز میان نظریه و پرکتیس و همچنین جهان بیرونی و داخلی کوبیدند (آلمندیگر و تتودور جونز، ۱۴۰۰، ۵۴).

دانولد شان دیگر برنامه‌ریز پراگماتیست و نویسنده‌ی کتاب معروف «حرفه‌مند تامل‌گر» با تشریح از بین رفتن اعتماد عمومی به تخصص برنامه‌ریزی به این صورت که «تخصص در برابر بحران‌ها بسیار ناتوان جلوه کرده و مفهوم «بسامان کردن فنی» رایج‌هی ناخوشایندی گرفته است و در واقع برخی راه‌حل‌هایی که کارشناسان حرفه‌ای از آن‌ها حمایت کردند، در

بستر پیچیده و مبهم زندگی روزانه پاسخ می‌دهیم» (۲۰۲۳، ۱۱۴۷) (1147). همچنین آن‌ها اعتقاد دارند تقلیل این بداهه‌پردازی به شهود یا خودانگیختگی موجب پنهان ماندن کار ماهرانه و قضاوت‌های دقیقی می‌شود که پرکتیس پاسخ‌گو به بافتار به آن‌ها نیاز دارد و در این زمینه مشخصات مهارت بداهه‌پردازی را این‌گونه شرح می‌دهند: «بازسازی مواد و طرح‌های از پیش ترکیب‌شده در رابطه با ایده‌های فهم‌شده، شکل‌یافته و متحول‌شده تحت شرایط خاص عملکرد که در نتیجه ویژگی‌های منحصر به فرد را به هر ابداعی اضافه می‌کند» (Ibid., 1148). اما سؤال اصلی اینجاست این بداهه‌پردازی در موقعیت‌های برنامه‌ریزی مانند تصمیم‌گیری برای میراث چگونه باید باشد یا چگونه عمل می‌کند؟ فارستر استدلال می‌کند که بازیگران به‌عنوان کسانی که همیشه نگران پرسش اکنون و در این موقعیت چه چیزی کار می‌کند باید به سه رشته از سؤالات شامل: ۱. در این جا چه چیزی مهم است که باید به آن توجه شود؟ ۲. چه چیزهایی را می‌دانیم و نمی‌دانیم و بنابراین چه چیزهایی را باید یاد بگیریم؟ ۳. چطور می‌توانیم عمل کنیم، برای اقدام چه چیزی را باید مذاکره کنیم؟ پاسخ دهند و پاسخ به این سؤالات است که به شکل سه فرایند درهم تنیده شامل جستار، مکالمه و گفت‌وگو در می‌آید و در نهایت بداهه‌پردازی عملی را پدید می‌آورد (Forester, 2020). فارستر را می‌توان از اولین کسانی دانست که به‌طور ویژه بر اهمیت توجه به روابط قدرت در برنامه‌ریزی تأکید نمود. در کتاب معروف او «برنامه‌ریزی در مواجهه‌ی با قدرت» او استدلال می‌کند که «اگر برنامه‌ریزان صاحبان قدرت را نادیده بگیرند ناتوانی خود را تضمین خواهند کرد و برعکس اگر برنامه‌ریزان درک کنند که چگونه روابط قدرت فرایند برنامه‌ریزی را شکل می‌دهد می‌توانند کیفیت تحلیل‌های خود را بهبود بخشند» (Forester, 1989, 17).

مهارت بداهه‌پردازی در شرایط سیاسی برنامه‌ریزی را چارلز هاک (۲۰۰۲)، یکی از پرکارترین برنامه‌ریزان پراگماتیست، هنر استادکاری می‌نامد از این‌رو که اعتقاد دارد کیفیت برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که قابل شناسایی و تفکیک برای عملکرد روزمره نیستند و در آن به‌جای جست‌وجو برای یک پایه‌ی مفهومی عقلانی باید به حرفه‌مندان و تحلیل‌گران کمک شود تا نحوه‌ی عمل‌کرد احساسات را، که روابط علی و تفاسیر اخلاقی را با یکدیگر ترکیب می‌کند، به‌عنوان بخشی از ساختار

مواجه می‌شوند حساس و به‌دنبال تفسیر و درک آن موقعیت‌ها است و (۳) به‌شدت نسبت به تعریف‌های سیاسی، فرمول‌بندی مسئله و تحلیل گزینه‌ها انتقادی است (Forester, 1993b).

فارستر بر مبنای نظریه‌ی کنش ارتباطی هابرماس دیدگاه برنامه‌ریز به‌مثابه حرفه‌مند مشارکت‌کننده را پیش می‌کشد و استدلال می‌کند اگر حرفه‌مند تامل‌گر دانلود شان از تجربه یاد می‌گیرد حرفه‌مند مشارکت‌کننده از کار مداوم با دیگران یاد می‌گیرد، چراکه برنامه‌ریزان با کار در میان بخش‌های مرتبط و متخصص و در مواجهه‌ی با نابرابری‌های قدرت و صدهای سیاسی صرفاً تامل‌گران انفرادی نیستند بلکه تامل‌گران ارتباطی-سیاسی نیز هستند (Forester, 1999, 2). او ضمن تشریح چرخش ارتباطی تامل‌گر مشارکت‌کننده مطابق تصویر (۱)، اعتقاد دارد که در این چرخش ارتباطی مهم نیست چقدر برنامه‌ریزی از نظر فنی دقیق یا درست باشد بلکه کار برنامه‌ریز باید برای افراد دیگر معنایی بسازد و در نتیجه عملی بودن در برنامه‌ریزی را نباید با فنی بودن اشتباه گرفت چراکه اشتباه گرفتن یکی با دیگری ممکن است هر دو را به خطر بیندازد و به برنامه‌ریز اجازه ندهد موقعیت‌ها را بخواند، معنای تجربه‌شده را درک کند، پرسش‌ها از ارزش و اهمیت را تفسیر کند و به آن‌ها بپردازد (Forester, 1993b).

در گذار از برنامه‌ریزی عقلانی به برنامه‌ریزی پراگماتیک فارستر پنج نسل اصلی را مطابق جدول (۵) شناسایی و آن‌ها را بدین‌صورت تشریح می‌کند: «نگرانی‌ها برای مسائل بغرنج منجر به ملاحظات برنامه‌ریزی استدلالی شد؛ مسائل مربوط به حل استدلال‌های مناقشه‌ای طرح‌های فرایندی مذاکرات-تسهیل‌گری را به‌وجود آورد؛ نگرانی‌های مداوم درباره‌ی مشارکت، خطرات سرفترهای مشارکتی را به نمایش گذاشت؛ ضرورت پراگماتیک عمل در بسترهای پیچیده و مناقشه‌ای نیازمند بداهه‌پردازی خلاقانه و عملی بود» (Forester, 2020, 111). او نسل آخر برنامه‌ریزان را به مثابه بداهه‌پردازان صاحب اختیاری می‌داند که در مواجهه با پرکتیس برنامه‌ریزی دست به ابتکارات متنوعی می‌زنند.

فارستر و همکاران با ارجاع به گیلبرت رایل استدلال می‌کنند که «ما همه‌زمان در حال بداهه‌پردازی هستیم؛ ما به خصوصیات آواها، احساسات، کلمات، واکنش‌ها، سکوت‌ها و حتی بیشتر از آن در



تصویر ۱. گذار به برنامه‌ریزی پراگماتیک. مأخذ: (Forester, 1993b)

جدول ۵. نسل‌های برنامه‌ریزان پراگماتیک. مأخذ: (Forester, 2020)

دیدگاه اصلی	نسل‌های برنامه‌ریزی حساس به عمل
<ul style="list-style-type: none"> <li>○ فرمول‌بندی قابل تعریف برای یک مسئله‌ی بفرنج وجود ندارد.</li> <li>○ مسئله‌ی بفرنج هیچ قانده‌ی تکرار شونده‌ای ندارد.</li> <li>○ راه‌حل‌ها برای مسئله‌ی بفرنج درست و غلط نیستند بلکه خوب یا بد هستند.</li> <li>○ آزمایش نهایی یا فوری راه‌حل برای مسئله‌ی بفرنج وجود ندارد.</li> </ul>	<p><b>نسل اول: دیدگاه چطور می‌توانیم به متخصصان اعتماد کنیم وقتی با مسائل بفرنج (wicked problems) مواجهیم؟</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>○ هیچ تخصصی انحصار بینش و درک مشکلات پیچیده پیش روی ما را ندارد.</li> <li>○ گردآوری مجموعه‌ای از متخصصین میان‌رشته‌ای متنوع برای استدلال، اصلاح ایده‌ها و مدل‌سازی‌هایشان الزامی است.</li> <li>○ تمرکز باید از تک‌متخصص به چندمتخصصه، آرایش متنوعی از مشارکت‌کنندگان تغییر کند.</li> <li>○ از طریق بحث و استدلال می‌توان ایده‌های ماهوی بهتری برای حل مشکلات یافت.</li> </ul>	<p><b>نسل دوم: دیدگاه یادگیری از بحث، استدلال انتقادی متنوع و چندگانه (مدل استدلالی)</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>○ ذی‌نفعانی که دیدگاه‌های مختلفی دارند، به‌طور مشترک مجموعه‌ای از کارشناسان را انتخاب می‌کنند تا توافقات را ایجاد کنند.</li> <li>○ میانجی‌گرها در این مدل نه قاضی هستند نه تصمیم‌گیرنده بلکه بیشتر شبیه ماماها هستند.</li> <li>○ بخش‌های مختلف استدلال‌هایشان را که بازتاب‌دهنده‌ی ایده‌ها و ترس‌هایشان است را ارائه می‌دهند و با متخصصان دعوت شده مذاکره می‌کنند تا دستاوردهای متقابل پیدا کنند.</li> </ul>	<p><b>نسل سوم: دیدگاه اشکال مذاکره و موارد میانجی‌گری</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>○ برنامه‌ریزان و سایر بازیگران حتی بدون همراهی میانجی‌گر سومی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.</li> <li>○ نه تنها به پرکتیس‌های تاملی یادگیری افراد بلکه همچنین پرکتیس‌های تعاملی و مشورتی همکاری با دیگران نیز نیاز خواهد بود.</li> <li>○ این کار مشورتی نه تنها نسل اول متخصصین منتخب را بلکه دیگران را نیز و نه تنها استدلال نسل دوم را بلکه مذاکرات نسل سوم، و همچنین شرایط فقدان همراهی میانجی‌گر را نیز شامل می‌شود.</li> </ul>	<p><b>نسل چهارم: عناصر زیرساختی کار با دیگران و خطرات ظریف مشورتی</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>○ امکان بداهه‌پردازی، عمل واکنشی، مسئولانه و خلاقانه در زمینه‌های سیال، نامشخص و مبهم و حتی مناقشه‌ای باید شناخته شود.</li> </ul>	<p><b>نسل پنجم: تئوری و پرکتیس به مثابه بداهه‌پردازی حرفه‌مندان در موقعیت‌های منحصر به فرد</b></p>

برنامه‌ریزی، شکست‌خورده است. «پیش‌بینی‌های نادرست که قبلاً به‌عنوان خطا یا اشتباه در یادگیری هضم می‌شدند حالا به‌عنوان نشانه‌ای بارز از شکست پارادایم در نظر گرفته می‌شوند» (Hoch, 1990, 275). در این شرایط او می‌پرسد آیا باید تلاش‌های جدیدی برای بازطراحی یک مدل عقلانی جدید کرد یا این که بحران کنونی را به مثابه لحظه‌ی رهایی از پوزیتیوسم سرکوب‌گر جشن گرفت؟ و به این سؤال مهم این‌گونه پاسخ می‌دهد: «[باید مسیر دوم را طی کرد] و تفاسیر متفاوتی از روابط سیاسی و قدرت به‌عنوان عناصر حیاتی و البته کمتر درک شده در فرایند برنامه‌ریزی ارائه داد» (Ibid., 276). در این زمینه نظر او بر این است که برنامه‌ریزان از آنجایی که نمی‌دانند روابط قدرت چگونه در سازمان‌هایی که در آن کار می‌کنند جریان دارند اغلب ناتوان و ناکارآمد هستند و به همین دلیل آن‌ها علاوه بر درک روابط قدرت نیازمند بهبود مذاکره و سازماندهی استراتژیک‌اند (ibid).

برنامه‌ریزان پراگماتیک مسئله‌ی قدرت را همواره به‌عنوان بازیگری کلیدی در تصمیم‌گیری برای فضاهای انسان‌ساخت در نظر گرفته‌اند. فارستر استدلال می‌کند که «هیچ بحث واقع‌بینانه‌ای در مورد برنامه‌ریزی و تحلیل سیاست بدون در نظر گرفتن قدرت به اشکال مختلف امکان‌پذیر نیست» (۱۹۹۹، ۹). با این حال او نگران این است که وارد کردن قدرت به صورت فراگیر و فاسدکننده منجر به انفعال در برابر رسیدگی به نابرابری، فقر، تخریب محیط زیست و رنج‌های انسان شود (Ibid.). هر چند بنت فلویبر را در زمره‌ی برنامه‌ریزان پراگماتیک قرار نمی‌دهند و مواضع او در تحلیل روابط قدرت در بسیاری مواقع در مقابل نظرات افرادی چون فارستر قرار می‌گیرد، لذا فارغ از این اختلافات، دغدغه‌اش در زمینه‌ی قدرت و پرکتیس برنامه‌ریزی او را نیز به سمت برنامه‌ریزی عمل‌گرایانه یا

مفهومی برنامه‌ریزی بفهمند. در این رویکرد آن‌گونه که مشخص است هنر عمل علاوه بر قضاوت‌های عقلانی بر حساسیت و طبع احساسی نیز وابسته است. مطابق نظر هاگ (۲۰۱۹) دورویکرد اصلی را در ساخت قضاوت‌ها می‌توان شناسایی نمود: اولی رویکرد آفاقیت است که در آن روش فراگیر تحقیق تجربی احساسات را به یک نقش بی‌مایه و پست در قضاوت انسانی تنزل می‌دهد و دومی رویکرد حساسیت است که تأثیر عواطف و احساسات را بر شناخت مطالعه می‌کند. هاگ معتقد است که نمی‌توان به‌سادگی از تأثیر احساسات بر قضاوت‌ها اجتناب کرد. یا آن‌ها را کنترل کرد بلکه تنها می‌توان یاد گرفت چطور خود را برای بهبود قضاوت‌ها با آن‌ها سازگار کرد و در نهایت، با تکیه بر آرای آنتونیو داماسیو و مارتا نوسبائوم، نتیجه می‌گیرد: باید جداسازی روش‌شناختی میان آفاقی‌گرایی شناختی و حساسیت احساسی را کنار گذاشت و هر دو را به‌مثابه منابع مهم برای هوش و قضاوت انسانی ملاحظه کرد (Hoch, 2006). در این چارچوب‌بندی وضعیت برنامه‌ریزی، برنامه‌ریز چیزی بیش از پیروی از دستورالعمل‌ها و راهنماها انجام می‌دهد، او با ترکیبی از عقلانیت، احساسات، تعصب‌ها و هنجارها روایت‌ها را شکل می‌دهد، استدلال‌ها را می‌سازد و روابط را متصور می‌شود پس بنابراین تکیه بر یک درخت تصمیم‌گیری رسمی جامع که همه‌ی انتخاب‌های آینده‌ی او را تشریح کند چیزی جز حواس‌پرتی به‌دنبال نخواهد داشت (Hoch, 2019).

هاگ (۲۰۱۹) اعتقاد دارد که ما امروزه باید از عقلانیت‌های برنامه‌ریزی صحبت به میان آوریم نه یک مدل برنامه‌ریزی عقلانی. لذا او استدلال می‌کند که اعتقاد مشترک به مشروعیت آفاقی برنامه‌ریزی عقلانی با توجه به عدم دستیابی به نتایج عملی به دلیل ماهیت سیاسی نظریه و تحقیق

حفاظت پراگماتیک را به عنوان جایگزینی برای حفاظت عقلانی پیشنهاد می‌دهد.

در حفاظت پراگماتیک مقصود از حفاظت دیگر بهترین روش یا دکتترین قطعی برای حفظ میراث نیست بلکه آن را در میان طیف متنوع و گسترده‌ای از برنامه‌ها و ابتکارات جانمایی می‌کند و جایگاه حفاظت‌گر به مثابه فرد تابع هنجارها و هدایت‌کننده‌ی مقاصد در میان سایر بازیگران این عرصه را تصدیق می‌کند. با این استدلال، با اتکا به آرای هاگ (۲۰۱۹)، می‌توان حفاظت پراگماتیک را پیش‌بینی و آمادگی برای خطرات و عدم قطعیت‌هایی که انتظارات ما برای آینده را به چالش می‌کشند تعریف نمود. در این مسیر حفاظت پراگماتیک به معنای ارائه‌ی پروتکل یا دستورالعمل جدیدی مانند آن‌هایی که در حفاظت عقلانی ساخته شده‌اند نیست بلکه بیشتر به دنبال نشان دادن جایگاه، ساختار و عملکرد هنر عمل یا بداهه‌پردازی حرفه‌مندان برای میراث است. این مدل نگاه به وضعیت حفاظت بیش از هر چیزی بر پیچیدگی وضعیت تأکید دارد و استدلال می‌کند که ساده‌سازی این پیچیدگی توسط رویکرد حفاظت عقلانی، همان‌گونه که اینس و بوهر برای کلیت برنامه‌ریزی فضایی استنباط کرده‌اند، با تبدیل تمام مسائل به مسائل فنی صرف معمولاً واقعیت سیاست و مناقع متعدد را در بر نمی‌گیرد و این می‌تواند گسست بزرگی بین تحلیل تخصصی و انجام کارها در جهان عمل به وجود آورد (Innes & Booher, 2018). بر خلاف تعادل خطی‌ای که حفاظت عقلانی پیش فرض می‌گیرد، مسائل در جهان پیچیده‌ی حفاظت پراگماتیک به هم پیوسته، غیر قابل تفکیک و در زمان و مکان آشکار می‌شوند و مسیر آن‌ها غیرقابل پیش‌بینی است. زیرا وضعیت‌هایی از جهان که امکان تحقق آن‌ها وجود دارد تا حد زیادی ناشناخته‌اند، فهرستی از سناریوهای قابل تصور و جامع وجود ندارد و هر سناریو فقط به صورت شماتیک و بسیار ناقص توصیف خواهد شد و در نتیجه هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند ادعای کامل بودن داشته باشد (Hoch).

به قول خودش «برنامه‌ریزی فرونتیک» سوق می‌دهد. فلویبر اعتقاد دارد «حوزه‌ی پژوهشی برنامه‌ریزی برخلاف علوم سیاسی و جامعه‌شناسی فاقد مجموعه‌ای منظم از مطالعات است که روابط قدرت را در راس خود قرار دهد» (۱۳۹۸، ۵۰). او به منظور برطرف نمودن این خلا ویژگی‌های برنامه‌ریزی فرونتیک را مطابق جدول (۶) ارائه می‌دهد.

او بر مبنای برنامه‌ریزی فرونتیک اعتقاد دارد که «با توجه به شرایط سیاسی پرکسیس، برنامه‌ریزی‌ای که در یک وضعیت کار می‌کند لزوماً در وضعیت دیگر کار نمی‌کند بنابراین نه هیچ روش‌شناسی ثابتی برای انجام تحقیق فرونتیک برنامه‌ریزی وجود دارد و نه یک الگوی تئوریک یا پرکسیس مربوط به آن» (همان، ۷۴). با این حال این به معنای رها کردن پژوهش برنامه‌ریزی‌ای بی‌فایده بودن آن نیست. چرا که او معتقد است با ارائه‌ی روایت‌های متنوع از موقعیت‌های عملی برنامه‌ریزی می‌توان در باب امکانات، مسائل و مخاطرات آن روشنگری کرد و نشان داد که چگونه می‌توان تفاوت‌ها را رقم زد (همانجا).

### حفاظت پراگماتیک و هنر عمل در شرایط سیاسی تصمیم‌گیری برای میراث

حفاظت‌گران از یک عدم درک کافی از وضعیت و موقعیت‌های پرکتیکس رنج می‌برند. دس سانتوس گنکالوس و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «فراتر رفتن از مقاصد خوب برای حفاظت پایدار از میراث» استدلال می‌کنند که «حرفه‌مندان از ادبیات میراث به طور کلی غایب‌اند» (۲۰۲۰، ۱). حفاظت عقلانی در حدود نیم قرن گذشته تمام تلاش خود را صرف ساخت یک روش درست، کامل و نهایی برای حفاظت از میراث نموده است در حالی که همان‌گونه که از مرور آرای پراگماتیست‌ها استنباط می‌شود در موقعیت‌های عملی به هیچ عنوان یک راه‌حل نهایی وجود ندارد. لیکن این مقاله ضمن تأکید بر این موضوع که بایستی حفاظت را به مثابه بخشی از برنامه‌ریزی فضای انسان‌ساخت در نظر گرفت چارچوب‌بندی نظری

جدول ۶. ویژگی‌های برنامه‌ریزی عمل‌گرایانه از نگاه فلویبر. مأخذ: (فلویبر، ۱۳۹۸)

تشریح	رهنمود
کنار گذاشتن نسبی‌گرایی و بنیادگرایی و جایگزینی آن‌ها با زمینه‌گرایی یا اخلاق بسته به وضعیت	تمرکز بر ارزش‌ها
نگریستن به قدرت به عنوان امری مولد و ایجابی و نه صرفاً محدودکننده و سلبی نگریستن به قدرت به عنوان شبکه‌ای متراکم از مناسبات همه‌جا حاضر نه صرفاً امری مستتر در نهادها شناسایی قدرت به عنوان مفهومی پویا اعمال شده در جریان‌های مستمر و درون مناسبات نیروها، تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها تبدیل سوال چه کسی قدرت دارد به سوال قدرت چگونه اعمال می‌شود	قراردادن قدرت در کانون تحلیل
آغاز از پرسش‌های خرد، پرسش‌های ساده و تجربی و نه سوالات بزرگ	تأکید به امور خرد
تمرکز اساسی به کردارهای واقعی برنامه‌ریزی فراتر از هر نظریه تأکید بر فعالیت‌های عملی و دانش عملی در وضعیت‌های هرروزه‌ی برنامه‌ریزی نقد دائم و افشاگری در خصوص خود فرایند برنامه‌ریزی	توجه به کردار پیش از گفتار
بازگشت به امر انضمامی، امر تجربی و پژوهش موردی	مطالعه‌ی نمونه‌ها و زمینه‌ها
طرح پرسش چگونه و تحلیل روایت به عنوان فعالیت‌های به هم پیوسته اعتباربخشی به پژوهش‌روایی و روایت‌شناسی به اندازه‌ی سایر روش‌های پژوهش، شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی نگریستن به روایت به عنوان اساسی‌ترین شکل برای فهم تجربه	پرسش از نحوه‌ی روایتگری
توجه به کنش‌گران، ساختارها و رابطه‌ی میان آن‌ها به طور همزمان درک موضوع برنامه‌ریزی هم از درون و هم از بیرون آن	فراروی از عاملیت و ساختار



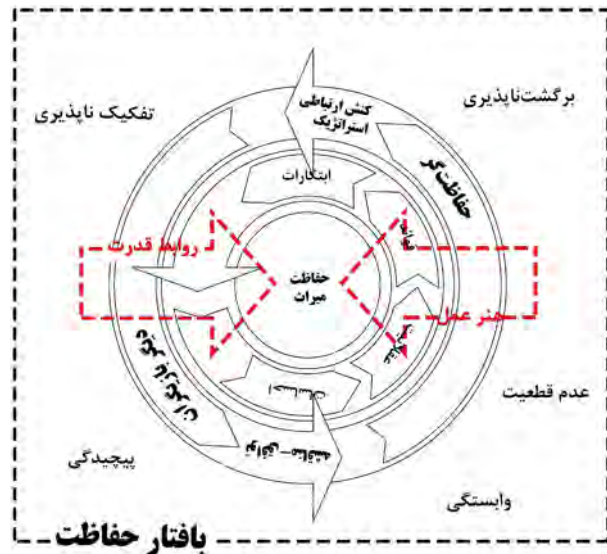
است از سویی این بافتار نسبت به بازیگرانی که در بر گرفته است موقعیتی بیرونی ندارد و این بازیگران همواره در حال فرمول بندی مسائل بافتار بر مبنای اهداف و مسیرهای ذهنی خود هستند و از سوی دیگر روابط قدرت به مثابه بخشی جدایی ناپذیر از کل فضای حفاظت به طور دائم در حال نقش آفرینی است. کنش ارتباطی-استراتژیک فرایندی است که بازیگران این بافتارها به مثابه حرفه‌مندان مشارکت‌کننده به گفت‌وگو و مباحثه با یکدیگر می‌پردازند و برون داد این فرایند مشورتی تصمیمات نهایی برای حفاظت از میراث در قالب سناریوهای متنوع است. در این فرایند مشورتی که همواره تحت تأثیر مداوم روابط و نیروهای قدرت است، علاوه بر قواعد و دستورالعمل‌های از پیش تعیین شده، استدلال‌های عقلانی، احساسات و البته نوآوری و ابتکارات نیز نقش آفرینی می‌کنند که در نهایت زمینه را برای هنر عمل بداهه‌پردازانه‌ی حرفه‌مندان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری و البته هدایت این تصمیم‌ها فراهم می‌آورند.

**حفاظت از میراث جهانی چغازنبیل در سایه قدرت و سیاست**  
روایت‌ها و تاریخ شفاهی حرفه‌مندان به بهترین شکل می‌توانند وضعیت حفاظت از میراث در عمل را تبیین کنند. آن‌ها می‌توانند لایه‌های دیگری به جز موضوعات تکنیکال که همواره مورد توجه جریان غالب حفاظت از میراث بوده‌اند را به تصویر کشند. «با روبرو شدن با این داستان‌های حرفه‌مندان می‌توان درباره‌ی عمل در دنیای سیال، تعارضی و عمیقاً سیاسی و همیشه غافلگیرکننده آموخت» (Forester, 1999, 26).

در زمینه‌ی پژوهش حاضر گرچه نگارندگان با تعداد زیادی از حرفه‌مندان حوزه‌ی حفاظت مصاحبه کرده‌اند، لیکن استراتژی انتخاب اطلاعات-محور آن‌ها را به سمت یکی از کامل‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها سوق داده است. لذا در ذیل بر مبنای رویکرد داستان‌سرای روایتی از یک حرفه‌مند حوزه‌ی حفاظت، در خصوص یکی از مهم‌ترین محوطه‌های میراثی ایران یعنی محوطه‌ی میراث جهانی چغازنبیل ارائه می‌شود. همان‌گونه که فلویبر استدلال می‌کند، یک روایت نمونه‌موردی خوب می‌تواند پیچیدگی و تعارضات را به نمایش گذارد و با تکیه بر آن می‌توان دست به تعمیم زد. او در این خصوص شرح می‌دهد که «اگر روش آزمون ابطال‌گرایان پذیرفته شود، مطالعه‌ی موردی برای تعمیم‌دهی بسیار مطلوب و ایده آل است: اگر فقط یک مشاهده با گزاره‌ی علمی ما هم‌خوانی نداشته باشد گفته می‌شود که آن گزاره فاقد اعتبار کلی است و در نتیجه باید در آن بازنگری شود» (۱۳۹۸، ۱۲۵). داستان کارخانه‌ای در محدوده‌ی حریم چغازنبیل نشان می‌دهد که همه‌ی «قوها» در پرکتیس حفاظت از میراث آن‌گونه که برنامه‌ریزی عقلانی حفاظت از میراث می‌پندارد «سفید» نیستند و مناقشات سیاسی و روابط قدرت در زمین عمل «قوهای سیاهی» را به نمایش می‌گذارند که با دیدن آن‌ها ضرورت گذار از برنامه‌ریزی عقلانی حفاظت به حفاظت پراگماتیک اثبات می‌گردد.

حرفه‌مند حفاظتی که داستان او در ادامه روایت می‌شود، متخصص مرمت بناهای تاریخی و دارای سابقه کار حرفه‌ای طولانی مدت در میراث فرهنگی است که سال‌های آخر آن را در پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت تپه گذرانده است. سابقه‌ی کاری طولانی در این نهاد او را جزء معدود کسانی می‌کند که می‌تواند تصویر نسبتاً دقیقی از شرایط پرکتیس حفاظت را ارائه نماید. در ادامه به تحلیل خلاصه‌ای از مصاحبه با این

(2017; Callon, et al., 2009).



تصویر ۲. مدل مفهومی ارائه شده در حفاظت پراگماتیک از میراث. مأخذ: (برگرفته از نظریات پراگماتیست‌ها)

بنابراین این وضعیت پیچیده‌ی حفاظت به جای یک نظریه‌ی جامع و نهایی، یک حرفه‌مند هنرمند و مشورت‌کننده را طلب می‌کند که به جای تمرکز بر نظریه‌ای آفاقی برای مواجهه با تمامی وضعیت‌ها بر هنر تصمیم‌گیری بداهه‌پردازانه در واکنش به بافتار پیچیده و عدم قطعیت تمرکز کند. لیکن او باید بتواند از کنش‌های ارتباطی (مکالمه، بحث، تفسیر)، آن‌چه که طرف‌های همکاری با یکدیگر می‌گویند و انجام می‌دهند، یاد گیرد، چراکه در پرکتیس‌های مشورتی، گوش‌دادن انتقادی، تفکر تأملی و استدلال‌سازنده همگی با هم تعامل دارند (Forester, 1999). این چرخه‌ی کنش ارتباطی باعث می‌شود به جای طرح سؤالاتی مانند «مسئله و راه حل آن چیست؟» به دنبال سؤالاتی چون «چگونه می‌توانم پرونده‌ی خود را طوری مطرح کنم که سوءتفاهمی برداشت نشود، تا بتوانیم جلو برویم؟ چه چیزی نباید بگویم؟ چه سؤال یا پیشنهادی می‌تواند به ما کمک می‌کند؟» بود (Ibid.).

حفاظت پراگماتیک همچنین تأکید می‌ورزد که برنامه‌ریزی حفاظت از میراث نمی‌تواند موضوعی غیرسیاسی و خنثی باشد، چیزی که گفتمان رسمی میراث به آن توجه ویژه‌ای نمی‌کند، و همچنین بدون ملاحظه‌ی قدرت هیچ عمل اثرگذاری ممکن نیست. این روابط پیچیده‌ی سیاسی و البته سایر ویژگی‌های وضعیت برنامه‌ریزی صرف کاربست دستورالعمل‌های عقلانی از پیش تعیین شده را ناممکن می‌کنند و عوامل دیگری از جمله احساسات، ابتکارات و همچنین قضاوت‌های ارزشی در جریان مشورت‌ها، گفت‌وگوها و تعاملات را به میدان می‌آورند و استراتژی‌ها و تاکتیک‌های سیاسی را به بخش جدایی ناپذیری از فرایند حفاظت بدل می‌کنند.

مدل مفهومی ارائه شده در تصویر (۲) در راستای هدف اصلی این مقاله یعنی گسترش رویکردهای جایگزین نظری به منظور تبیین فضای تصمیم‌گیری پراگماتیک برای حفاظت از میراث ترسیم شده است. در این مدل ابتدا وضعیت بافتار یا زمینه‌ی برنامه‌ریزی به وضعیتی پیچیده، وابسته، تفکیک ناپذیر، برگشت ناپذیر و عدم قطعیتی بدل می‌شود. شایان ذکر

حرفه‌مند حفاظت (مصاحبه‌های شخصی نگارندگان در سال ۱۴۰۳) پرداخته شده است.

با این که تمرکز اصلی در رشته‌ی حفاظت روی مسائل تکنیکال است، لیکن این حرفه‌مند حفاظت مهم‌ترین چالش‌های حفاظت از چغازنبیل را این نوع مسائل نمی‌داند. او در این خصوص توضیح می‌دهد که «در این سال‌ها چند درخواست احداث کارخانه چالش‌های اصلی ما بود که بزرگترین و مهم‌ترین آن‌ها کارخانه‌ای در محدوده‌ی حریم چغازنبیل بود. ولی احداث این کارخانه به‌خودی خود [به‌عنوان موضوعی تکنیکال] مسئله‌ی سؤال برانگیزی نبود چرا که محلی که پیشنهاد شده بود بخشی از آن در حریم درجه یک و بخش دیگر در حریم درجه دو بود (تصویر ۳) که ضوابط در این خصوص به صراحت اعلام کرده بودند احداث کارخانه در آن ممنوع است پس شکی نبود که کارخانه نباید ساخته شود». پس مسئله با چالش اصلی‌ای که حفاظت‌گران در این موقعیت‌ها با آن مواجه می‌شوند چه هستند؟ آن‌گونه که در ادامه‌ی داستان مشخص خواهد شد احداث کارخانه در محدوده‌ی چغازنبیل مسئله پیچیده و مناقشه‌ای است که دو عامل مهم سیاست و روابط قدرت را به نقش آفرینان اصلی داستان بدل می‌کند. او در این خصوص شرح می‌دهد که «فشارهای سیاسی بسیار زیادی به پایگاه میومد که باید احداث کارخانه را بپذیرین. سرمایه‌گذار داشت و خواست مقامات رسمی بود». همچنین در جای دیگری اشاره می‌کند که «خلاصه با چالش وحشتناکی مواجه شدیم چون فشارهای سیاسی و اجتماعی فراوانی به پایگاه و به شخص خودم میومد که این مجوز برای طرف صادر بشه». او ضمن اشاره به این که بازیگران در طرف مقابل شبکه‌ی روابط قدرتمندی داشتند که باعث می‌شد بتوانند به‌راحتی لابی سیاسی گسترده‌ای کنند، چالش احداث کارخانه را بزرگترین چالش در سال‌های طولانی خدمت حرفه‌ای خود می‌داند و بیان می‌کند که «حدود سه سال درگیر بودم در حد اینکه تهدید جانی می‌شدم، افرادی اذیت می‌کردند، چون فکر می‌کردن خسته می‌شم و از این جا می‌رم تا آن‌ها بتونند مجوز ساخت رو بگیرن».

بودن ابزارهای برنامه‌ریزی حفاظت عقلانی در مواجهه‌ی با فشارهای سیاسی پرده برمی‌دارد. او عنوان می‌کند:

سیاسیون و مردم اصلن حرفای تخصصی ما رو متوجه نمی‌شن. باید به زبان خودشون با اون‌ها صحبت کنیم و ادامه می‌دهد که:

ضوابط میراث فرهنگی و میراث جهانی شاید هدف غایی را به ما نشون بدن ولی چگونگی دست یافتن به این هدف بسیار پیچیده‌تر و پر مناقشه‌تر از این حرفاست.

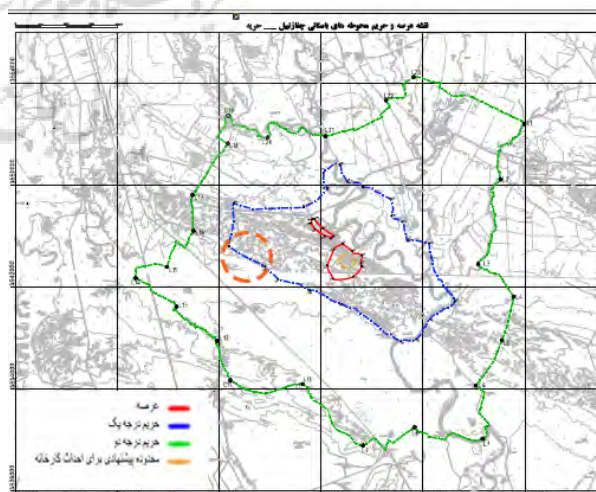
حرفه‌مند حفاظت در پایگاه میراث جهانی چغازنبیل مذاکره‌ی حضوری دائم را به مثابه یک تاکتیک مهم برای دستیابی به اهداف حفاظت معرفی می‌کند. او در این خصوص توضیح می‌دهد که «در اکثر جلساتی که بابتش در استانداری برگزار می‌شد شخصاً شرکت می‌کردم، هر دفعه کلی هم مدارک، نقشه و عکس هم‌رام بود و توضیح می‌دادم مخاطرات اینکه اگر ضابطه‌ی حریم رورعایت نکنین در مجامع بین‌المللی چه اتفاقی برامون می‌افته. همه‌ی این‌ها رو بارها توضیح می‌دادم». با این حال شرح مذاکرات او نشان می‌دهد که چگونه روابط قدرت بی‌تفاوت نسبت به بحث‌های عقلانی مطرح شده، بر مواضع خود اصرار می‌ورزد؛ جلسات همش فشارهای سیاسی بود، خاطرات خیلی بدی از اون جلسات دارم. مقامات اصلاً متوجه نمی‌شدن که براشون توضیح می‌دید که چغازنبیل چقدر مهمه برای شهرستانتون. تمام جلسات با حرکتی که به دعوا ختم می‌شد حرکات شنیی ایجاد می‌کردن، داد و بیداد می‌کردن، اینا خیلی مرسوم بود. خیلی جاها می‌رفتم مقامات توهین می‌کردن. توهین ها! توهین واقعی. یعنی من خیلی جاها با بغض برمی‌گشتم از جلسات و هی فکر می‌کردم که این منم؟ هی تکرار می‌شه و می‌رم تو این جلسات و اینقدر ناراحت برمی‌گردم فقط به خاطر اینکه می‌خوام از یک بخشی از میراث فرهنگی این سرزمین دفاع کنم. وقتی می‌رفتم جلسه و توضیح می‌دادم که دولت جمهوری اسلامی وقتی کنوانسیون ۱۹۷۲ رو پذیرفته و مفهومش این بوده که تمام ضوابط حرائم میراث فرهنگی را می‌پذیرم. بند به بند کنوانسیون ۱۹۷۲ رومی خوندم.

از تاکتیک‌های مهم دیگر این حرفه‌مند در مذاکرات را می‌توان احترام به طرف مقابل و عدم عدول از مواضع، توافق یا معامله بر سر موضوعات برشمرد که می‌توان از جملات ذیل به خوبی آن‌ها را شناسایی نمود:

ابتدا سکوت می‌کردم. می‌ذاشتم اونا فریادهاشون رو بزنین، خواسته‌هاشون رو بگن، نمی‌دونم بد و بیراهه‌هاشون رو بگن، بعد از این شروع می‌کردم که میراث جهانی چیه چرا باید ازش حفاظت کنیم، حریم چیه، یعنی به سری جمله داشتم که دائم اینا رو تکرار می‌کردم و هر دفعه هم می‌رفتم همون‌ها رو می‌گفتم که اونا بدونن قرار نیست تغییری ایجاد بشه، این یه جمله هست که از روز ثبت جهانی چغازنبیل نوشته شده و باید بهش احترام گذاشت.

بسیج افکار عمومی از طریق رسانه‌ها یکی از اصلی‌ترین واکنش‌های حفاظت‌گران در برابر نیروهای مخرب است. حرفه‌مند حفاظت راوی در خصوص بسیج افکار عمومی عنوان می‌کند:

نهایتاً چیزی که خیلی تونست به ما کمک کنه استفاده از افکار عمومی. من خیلی از خبرنگارهای تأثیرگذار حوزه‌ی میراث فرهنگی رو دعوت کردم باهاشون مصاحبه کردم و براشون توضیح دادم که مثلاً درخواست از سوی کیه، چه ایراداتی داره، چه اشکالاتی داره. اون هدایت افکار عمومی و همسویی افکار عمومی و درخواست‌های مردمی که بر اثر فشارهای این



تصویر ۳. محدوده پیشنهادی احداث کارخانه نسبت به عرصه و حریم محوطه‌ی میراث جهانی چغازنبیل. مأخذ: (آرشیو پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه)

لیکن در برابر این فشارهای سیاسی سنگین و طاقت‌فرسا چه اقدامی باید انجام داد؟ گفته‌های این حرفه‌مند حفاظت به‌طور مکرر از ناکافی

شاید ربطی به کار شما نداشته باشه ولی یکی از بزرگترین پشتیبان‌های من خانواده‌ام هستن. من چون همسرم همکارمه و چالش‌های پیش روی من رو می‌شناسه، مرمت خونده، روحیات من دستش اومده که وقتی دارم به کاری رو انجام می‌دم تمامی سلول‌های من وقف اون کار می‌شه یکی از بزرگ‌ترین پشتیبانی‌های روحی من همین مسئله است، چون من مادر دو تا دختر هم هستم و اون پشتیبانی که همسرم از من می‌کنه در این که شب، نصف شب، ده روز، دنبال به کاری رو می‌برم یا نرم، یا مشورتایی که بهم می‌ده، این‌جا نرو اون‌جا برو، این‌جا سکوت کن، بیا با هم به چیزی بنویسیم شاید بهت کمک بکنه، اینا خیلی به من کمک کرده که نمی‌تونم نادیدشون بگیرم.

داستان روایت‌شده از مواجهه‌ی حرفه‌مند حفاظت در زمین واقعیت و عمل نشان می‌دهد، برخلاف مسائل صرف تکنیکالی که برنامه‌ریزی حفاظت عقلانی در طول سالیان سعی بر گسترش آن داشته است و آن‌ها را به‌طور گسترده وارد حوزه‌های تخصصی و آموزشی حفاظت کرده است، حفاظت از میراث در معرض مسائل به‌شدت سیاسی‌ای است که در آن روابط و جریان قدرت به‌طور روزمره نقش‌آفرینی می‌کنند و میراث را به سمت ویرانی می‌کشند. داستان او داستان مقاومت در بافتاری وابسته، پیچیده، مناقشه‌ای و عدم قطعی است. مقاومت در این بافتار بر مبنای ضوابط و قوانین، احساسات و ابتکارات و در قالب مذاکرات، گفت‌وگوها، ائتلاف‌ها، استراتژی و تاکتیک‌ها شکل گرفته و عمل می‌کند. در نهایت این حرفه‌مند حفاظت است که با هنر عمل بداهه‌پردازانه به این مقاومت شکل می‌دهد و به‌مثابه یک کنش‌گر سیاسی نقش‌آفرینی می‌کند.

### نتیجه

در پژوهش حاضر استدلال می‌شود که می‌توان ریشه‌های جریان غالب حفاظت را مشابه ریشه‌های برنامه‌ریزی عقلانی فضاهای انسان‌ساخت در عقلانیت ملهم از روشنگری یا دکارت‌گرایان و پس از آن پوزیتیویست‌ها شناسایی کرد و از این‌رو، آن را «حفاظت شهری عقلانی» نامید. حفاظت عقلانی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای میراث را به جهانی بیرونی و آفاقی بدل می‌کند که در قالب یک‌سری برنامه‌ی جامع سلسله‌مراتبی خطی شدنی است و بنابراین هر چندسال یکبار متخصصین حفاظت گرد هم می‌آیند تا دکتترین‌هایی را برای بهره‌برداری عموم و پیاده‌سازی در تمام سطوح تجویز کنند. یکی از آخرین دکتترین‌های حفاظت عقلانی توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی است که پیاده‌سازی یک فرایند خطی شش مرحله‌ای را به‌منظور حفظ ارزش‌های میراث شدنی می‌داند. در مقاله‌ی حاضر نگارندگان استدلال می‌کنند که این دستورالعمل‌های حفاظت عقلانی وضعیت تصمیم‌گیری را به وضعیتی ساده، قطعی، غیرمناقشه‌ای بدل می‌کنند و در نتیجه راه‌حل‌های تصمیم‌پذیر را پیشنهاد می‌دهند.

این مقاله با تکیه بر آرای نظریه‌پردازان، به‌طور ویژه برنامه‌ریزان پراگماتیست، چرخش پارادایمی حفاظت را به‌سمت حفاظت پراگماتیک پیشنهاد می‌دهد و استدلال می‌کند وضعیت حفاظت بر خلاف چیزی که حفاظت عقلانی از آن ساخته است پیچیده، غیرقطعی، غیرقابل تفکیک، نامتعین و کاملاً مناقشه‌ای است. در این وضعیت حفاظت‌گر نه با بافتار خنثی و غیرسیاسی بلکه با جهان به‌شدت سیاسی مواجه است و با نقش‌آفرینی مداوم روابط قدرت دست‌وپنجه نرم می‌کند که با توجه

فضای مجازی ایجاد شد کم‌کم این پروژه را به سمتی برد که مقامات با ما همراه شدند.

این بسیج رسانه‌ها سبب می‌شود که در نهایت برگ‌های برنده‌ی بیشتری در مذاکرات در اختیار این حرفه‌مند پایگاه میراث جهانی قرار گیرد.

ائتلاف، همکاری و پشتیبانی نیروهای متحد نیز به پیشبرد اقدامات حفاظتی در برابر فشارهای سیاسی در چالش کارخانه و میراث چغازنبیل کمک شایانی کرده است. او در این خصوص شرح می‌دهد که چگونه حمایت معاون وزیر میراث فرهنگی وقت توان مضاعفی به وی داده تا در برابر فشارها مقاومت کند؛

یکی از چیزایی که بیشترین قوت و قدرت رو به آدم می‌داد خود معاون بود تو این راه، چون می‌دونست درباره‌ی کجا داره حرف می‌زنه، مسیر رو می‌شناخت، ضابطه‌ی میراث فرهنگی رو می‌شناخت و دائم من رو تشویق می‌کرد که تو محکم سر جات وابسا، هر چی هم که فشار بیارن حتی به وزیر هم فشار بیارن من پشت پایگاه هستم.

با این حال تنها ائتلاف با نیروهای متحد نمی‌تواند پیش‌برنده باشد. بهره‌گرفتن از حرفه‌های قدرت و همراه کردن بازیگرانی از قدرت‌های رقیب اثرگذارترین نیروی پیش‌برنده‌ی حفاظت از میراث چغازنبیل بوده است. در این خصوص بداهه‌پردازی و سرعت عمل در شناسایی کسانی که می‌توان با آن‌ها مذاکره کرد بسیار مهم است. این حرفه‌مند حفاظت مهم‌ترین عامل ممانعت از ساخت کارخانه را این‌گونه شرح می‌دهد که؛

تنها چیزی که ما رو نجات داد این بود که تیم دولت عوض شد، تو اون فاصله که تازه اون سرمایه‌گذار بخواد بیاد بارکشی کنه و از دولت جدید آدم پیدا کنه، خداوند به ما کمک کرد به آقایی که می‌فهمید من چی می‌گم، رئیس بخش سرمایه‌گذاری شد و اون موافقت اصولی رو رد کرد و گرنه کسی دلسوز نبود که از سر دلسوزی بیاد کمک کنه؛ یا در جایی دیگر توضیح می‌دهد که؛

اون مرد جوان رو من دعوتش کردم چغازنبیل بردمش بالای خود زیگورات و از بالا توضیح دادم که عرصه یعنی چی، حریم یعنی چی، ما چرا باید اینا رو حفظ بکنیم، چه تأثیری دارن، اون کنوانسیون ۱۹۷۲ چقدر می‌تونه کمک کنه، گفتیم که همه‌ی دولت‌مردا این رو باید بلد باشن چون تعهد دادن در مجامع بین‌المللی که بهش پایبند بمونن. اون مرد جوان این چیزها رو متوجه شد، تونست به من کمک کنه و ما در آخرین جلسه تونستیم بریم و موافقت اصولی را رد کنیم.

باید اذعان نمود در این نوع مناقشات تسلط به قوانین و ضوابط می‌تواند به حفاظت‌گر کمک شایانی کند چراکه منابعی را برای پیشبرد مذاکرات فراهم می‌کنند. حرفه‌مند حفاظت در این خصوص استدلال می‌کند؛

به موضوع دیگه که توی همه‌ی این سال‌ها هنوز هم داره به من کمک می‌کنه، اینه که من تسلط عجیبی روی قوانین پیدا کردم به علاوه این‌که ضوابط عرصه و حریم رو خوردم. من با چشم بدون نقشه می‌تونم بگم عرصه کجاست، حریم کجاست، ضابطه چی می‌گه، حتی کجاش اشکال داره و چی داره چی رونقش می‌کنه.

با این حال این حرفه‌مند حفاظت در مصاحبه از نقش‌آفرینان احساسی‌ای پرده برمی‌دارد که اگر در کنار تخصص قرار نمی‌گرفتند پیشرفت در دستیابی به اهداف عملاً ناممکن می‌شد؛



سایر بازیگران را برجسته می‌کند. مقاله‌ی حاضر نتیجه می‌گیرد که هنر عمل تصمیم‌گیری برای حفاظت از میراث با بهره‌گیری از چیزی بیش از دستورالعمل‌ها و قوانندی که حفاظت عقلانی مدعی آن‌هاست و با ترکیبی از حساسیت و آفاقیت در موقعیت‌های منحصر به فرد به بداهه‌پردازی می‌پردازد. در این بداهه‌پردازی همان‌گونه که در نمونه‌موردی سایت میراث جهانی چغازنبیل به نمایش گذاشته شد، حفاظت‌گر نه صرفاً به مثابه متخصص بلکه به مثابه کنش‌گر یا نابغه‌ی سیاسی نقش‌آفرینی می‌کند و برای دستیابی اهدافش از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مذاکره و چانه‌زنی بیش از دستورالعمل‌ها بهره می‌گیرد.

به عوامل و بازیگران متنوع بافتارها، تعمیم‌های نظری در این وضعیت کارساز نیستند. لیکن ضمن توجه به بافتارمندی موقعیت‌های مختلف باید تصدیق کرد که حفاظت در مرتبه‌ای مانند دیگر رشته‌های مرتبط با برنامه‌ریزی فضای انسان‌ساخت قرار می‌گیرد و بنابراین ضروری است به‌جای طرح آن به‌عنوان برنامه‌ای جامع و فراگیر یا حرف‌نهایی، بر ارتباط و انسجام مفهومی آن با دیگر برنامه‌ها و مذاکره با دیگر بازیگران تمرکز شود. لذا حفاظت پراگماتیک بیش از هر چیزی بر گذار از حفاظت به مثابه موجودیتی بیرونی و آفاقی به سمت موجودیتی درونی و بین‌الذهانی تأکید می‌کند و نقش حفاظت‌گر به مثابه فرد و در موقعیت ارتباطی با

### فهرست منابع

- Forester, J., Verloo, N., & Laws, D. (2023). Creative discretion and the structure of context-responsive improvising. *Journal of Urban Affairs*, 45(6), 1145–1162. <https://doi.org/10.1080/07352166.2021.1901589>.
- Friedmann, J. (2022). *Planning in the Public Domain: From Knowledge to Action*. (Aghvami Moghadam, A, Trans.). Goshtasb Pub. (Original work published 1987). (in Persian)
- Gentry, K., & Smith, L. (2019). Critical heritage studies and the legacies of the late-twentieth century heritage canon. *International Journal of Heritage Studies*, 25(11), 1148–1168. <https://doi.org/10.1080/13527258.2019.1570964>
- Glendinning, M. (2013). *The Conservation Movement: A History of Architectural Preservation: Antiquity to Modernity*. London: Routledge.
- Gonçalves, D. Mateus, R.; Silvestre, J.D.; Roders, A.R.P. (2021). Beyond Good Intentions: The Role of the Building Passport for the Sustainable Conservation of Built Heritage to Behavioural Change. *Sustainability*, 13, 8280. <https://doi.org/10.3390/su13158280>.
- Harrison, R. (2013). *Heritage; Critical Approaches*. Routledge.
- Harvey, D. C. (2001). Heritage Pasts and Heritage Presents: Temporality, Meaning and the Scope of Heritage Studies. *International Journal of Heritage Studies*, 7(4), 319–338. <https://doi.org/10.1080/13581650120105534>.
- Hoch, C. (1990). Power, Planning and Conflict. *Journal of Architectural and Planning Research*, 7(4), 271–283. <http://www.jstor.org/stable/43028979>
- Hoch, C. J. (2002). Evaluating Plans Pragmatically. *Planning Theory*, 1(1), 53-75. <https://doi.org/10.1177/147309520200100104>.
- Hoch, C. (2006). *Emotions and Planning. Planning Theory & Practice*, 7(4), 367-382. <https://doi.org/10.1080/14649350600984436>.
- Hoch, C. (2019). *Pragmatic Spatial Planning: Practical Theory for Professionals (1st ed.)*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429021275>.
- Healey, P. (2008). The Pragmatic Tradition in Planning Thought. *Journal of Planning Education and Research*. 28(3), 277-292. <https://doi.org/10.1177/0739456X08325175>.
- Healey, P. (2021). *Collaborative Planning, Shaping Places in Fragmented Societies*. (Jahanzad, N. Trans.). Tehran Urban
- Allmendinger, P., & Tewdwr-Jones, M. (2021). *Planning Futures: New Directions for Planning Theory*. (Aghvami Moghadam, A. Trans.). Goshtasb Pub. (Original work published 2002). [in Persia].
- Bandarin, F., & Van oers, R. (2014). *Reconnecting the City: The Historic Urban Landscape Approach and the Future of Urban Heritage*. Wiley-Blackwell.
- Bernstein, R. J. (2010). *The Pragmatic Turn*. Polity.
- Byrne, D. (2014). *Counterheritage: Critical perspectives on heritage conservation in Asia*. Routledge.
- Brooks, M. (2002). *Planning Theory for Practitioners*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351179454>
- Callon, M. Barthe, Y. & Lascoumes, P. (2009). *Acting in an Uncertain World: An Essay on Technical Democracy*. The MIT Press.
- Carter, T., Harvey, D., Jones, R., & Robertson, I. J. M. (2020). *Creating heritage: Unrecognised pasts and rejected futures*. Abingdon, Oxon.
- Conaty, F. (2021). *Abduction as a Methodological Approach to Case Study Research in Management Accounting -An Illustrative Case*. *Accounting, Finance & Governance Review*, 27. <https://doi.org/10.52399/001c.22171>.
- Flyvbjerg, B. (2019). *Planing, Phronsis, Power*. (Jahanzad, N. Trans.). Ketabkade-Kasra Pub. [in Persia].
- Forester, J. (1989). Planning in the Face of Power. *Journal of The American Planning Association*. 48(1). <https://doi.org/10.1080/01944368208976167>
- Forester J (1993a) *Practice stories: The priority of practical judgment*. In: Fischer F and Forester J (eds) *The Argumentative Turn in Policy Analysis and Planning*. London: Duke University Press.
- Forester, J. (1993b). *Critical theory, public policy, and planning practice*. State University of New York Press.
- Forester, J. (1999). *The Deliberative Practitioner: Encouraging Participatory Planning Processes*. The MIT Press.
- Forester, J. (2020). *Five generations of theory-practice tensions: enriching socio-ecological practice research*. *Socio Ecol Pract Res* 2, 111–119. <https://doi.org/10.1007/s42532-019-00033-3>.



- Scheffler, I. (2018). *Four Pragmatists: A Critical Introduction to Peirce, James, Mead, and Dewey*. (Hakimi, M. Trans.). Nashr-e-Markaz. (Original work published 1974). (in Persian)
- Schon, D. A. (1991). *The reflective practitioner*. Ashgate Publishing.
- Smith, L. (2006). *Uses of Heritage*. Routledge.
- Smith, L. (2020). *Emotional Heritage: Visitor Engagement at Museums and Heritage Sites (1st ed.)*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315713274>.
- Throgmorton, J.A. (2003). Planning as persuasive storytelling in a global-scale web of relationships. *Planning Theory* 2(2), 125–151.
- UNESCO (2011). *Recommendation on the Historic Urban Landscape*.
- Van Hulst, M. (2012). *Storytelling, a model of and a model for planning*. *Planning Theory*, 11(3), 299–318. <https://doi.org/10.1177/1473095212440425>
- Wagenaar, H. (2011). A Beckon to the Makings, Workings and Doings of Human Beings: The Critical Pragmatism of John Forester. *Public Administration Review*, 71, 293–298. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2011.02341.x>.
- Walter, N. (2014). From values to narrative: A new foundation for the conservation of historic buildings. *International Journal of Heritage Studies*, 20(6), 634–650. <https://doi.org/10.1080/13527258.2013.828649>
- Waterton, E., & Watson, S. (2015). *The Palgrave Handbook of Contemporary Heritage Research*. Palgrave Macmillan.
- Waterton, E. (2007). Rhetoric & 'Reality' - Politics, Policy and the Discourses of Heritage in England. *Phd Thesis*, University of York.
- Waterton, E. (2010). *Politics, Policy and the Discourses of Heritage in Britain*, Palgrave Macmillan London
- Wells, J. C. (2007). The plurality of truth in culture, context, and heritage: A (mostly) post-structuralist analysis of urban conservation charters. *City and Time*, 3.
- Willson, R. (2020). *Reflective Planning Practice: Theory, Cases, and Methods (1st ed.)*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429290275>.
- Weick, K. E. (1989). *Theory construction as disciplined imagination*. *Academy of Management Review*, 14(4), 516–531.
- Witcomb, A., & AM, K. B. (2013). *Engaging with the Future of 'Critical Heritage Studies': Looking Back in order to Look Forward*. *International Journal of Heritage Studies*, 19(6), 562–578.
- Planning and Research Center of Tehran Municipality. (Original work published 1997). (in Persian)
- ICOMOS (1964). *International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites*. Venice, Italy. [https://www.icomos.org/charters/venice\\_e.pdf](https://www.icomos.org/charters/venice_e.pdf).
- Innes, J.E., & Booher, D.E. (2018). *Planning with Complexity: An Introduction to Collaborative Rationality for Public Policy*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315147949>.
- James, W. (1907) *Pragmatism and Four Essays from the Meaning of Truth*. (Rashidian, A. Trans). Elmifarahani. (Original work published 1907). (in Persian)
- Mandelbaum, S. (1991). Telling stories. *Journal of Planning Education and Research*, 10, 209–214.
- Mason, R. (2002). *Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices*. In *Assessing the Values of Cultural Heritage*, edited by Marta de la Torre, 5-30. Los Angeles, CA: The Getty Conservation Institute.
- Maxcy, S. J. (2003). *Pragmatic Threads in Mixed Method Research in the Social Sciences: The Search for Multiple Modes of Inquiry and the End of the Philosophy of Formalism*. In A. Tashakkori, & C. Teddlie (Eds.), *Handbook of Mixed Methods in the Social and Behavioural Sciences* (51-89). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Moradi S, Faraji F, Fadaei Nezhad Bahramjerdi S. A. (2023) *Competent Management Framework for WHS of Maymand Cultural Landscape*. *CIAUJ* 2023; 8 (2),153-174. URL: <http://ciauj-tabriziau.ir/article-1-501-fa.html>
- Putnam, H. (2006), *The Collapse of the Fact/Value Dichotomy and Other Essays*. (Fatemi, F. Trans.). Nashr-e-Markaz. (Original work published 2002). (in Persian)
- Rittel, H., & Webber, M. (1973). Dilemmas in a General Theory of Planning. *Policy Sciences*, 4(2), 155–169. <http://www.jstor.org/stable/4531523>.
- Robertson, I.J.M. (Ed.). (2012). *Heritage from Below*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315586632>.
- Rorty, R. (2006). *Contingency, Irony, and Solidarity*. (Yazdanjoo, P. Trans.). Nashr-e-Markaz. (Original work published 1989). (in Persian)
- Rorty, R. (2013). *Truth and Progress: Philosophical Papers*. (Asghari, M. Trans.) Elham Pub. (Original work published 1998). (in Persian)
- Rorty, R. (2017). *Philosophy as Cultural Politics: Philosophical Papers*. (Taghavian, N. Tahmasbi, B. Trans.). Institute for Cultural, Social and Civilization Studies. (Original work published 2007). (in Persian)